

صد سالگی حوزه قم

دقتروم

به مناسبت صد ساله شدن حوزه علمیه قم

نوروز ۱۳۰۱ - ۱۴۰۱ خورشیدی

به کوشش

رسول جعفریان

بهار ۱۴۰۱

سرشناسه : جعفریان، رسول، ۱۳۴۳ - ، گردآورنده و مولف

Jafarian, Rasul

عنوان و نام پدیدآور : صد سالگی حوزه قم: مجموعه مقالات به مناسبت صدساله شدن حوزه علمیه قم، نوروز ۱۳۰۱ - ۱۴۰۱ خورشیدی / به کوشش رسول جعفریان.

مشخصات نشر : قم: نشر مورخ، ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱

مشخصات ظاهری : ۷۸۰ ص.

شابک : ج ۱ ۸-۶۹-۶۳۰۰-۶۲۲-۹۷۸ ج ۲: ۳-۷۷-۶۳۰۰-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت: ج ۲. (چاپ اول ۱۴۰۱) (فیپا)

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

عنوان دیگر: مجموعه مقالات به مناسبت صد ساله شدن حوزه علمیه قم نوروز ۱۳۰۱ - ۱۴۰۱

موضوع: حوزه علمیه قم - تاریخ - مقاله ها و خطابه ها

موضوع: essays, Hozeh Elmiyeh Qom - History - Addresses, lectures

lectures

رده بندی کنگره : ۴۷ / BPV

رده بندی دیویی : ۲۹۷ / ۰۷۱۰۵۵۱۲۸

شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۴۲۷۴۴

وضعیت رکورد : فیپا



صد سالگی حوزه قم (دفتر دوم)

دومین مجموعه مقالات به مناسبت صد ساله شدن حوزه علمیه قم

به کوشش رسول جعفریان

(استاد دانشگاه تهران)

نشر مورخ

نوبت و سال چاپ: اول / بهار ۱۴۰۱

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

قیمت ۲۷۰ هزار تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

در باره دفتر دوم صدسالگی حوزه قم	۷
اصلاحات ارضی و چالش دربار با علما / رحیم روحبخش	۹
عقلانیت آیت الله حائری در شکل گیری... حوزه علمیه قم / سید ضیاء مرتضوی	۴۱
مواجهه فقهی حاج شیخ عبدالکریم حائری با مظاهر تمدن / محمد سروش محلاتی	۶۹
رساله موسس: نگاهی به رساله عملیه آیت الله شیخ عبدالکریم حائری / مجید غلامی جلیسه	۸۵
فضای باز سیاسی دهه بیست، زمینه ساز احیای حوزه علمیه قم / رحیم روحبخش	۱۳۳
وصف علمای قم در شعر شیخ محمد علی انصاری / رسول جعفریان	۱۹۷
شیخ محمد علی انصاری و ادبیات ردیه نویسی در قم / رسول جعفریان	۲۲۹
نقش حوزه و روحانیت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران / سید جواد ورعی ...	۳۰۹
ادبیات نقادی تمدن غرب در قم (سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ ش) / رسول جعفریان	۳۳۹
چند معنایی تعبیر «حوزه علمیه قم» در دو وقفنامه / امید رضایی	۳۹۹
تبعیدی های حوزه علمیه قم در دوره پهلوی / رحیم روحبخش	۴۰۷
آیت الله شیخ ابوالقاسم دانش آشتیانی / مهدی سلیمانی آشتیانی / اسدالله عبدلی آشتیانی	۴۷۹
قم به روایت سالنامه دبیرستان حکمت و مجله راه سلامت / سید فرید قاسمی	۵۱۱
برگ هایی از تاریخ حوزه علمیه قم / به کوشش رسول جعفریان	۵۱۷
زندگی و کارنامه سید ابوالفضل تولیت / حسین قربانی	۶۲۵

۶ □ صد سالگی حوزه قم (دفتر دوم)

- سید ابوالفضل تولیت و تاریخ بنای شهرک امام خمینی / محمد مهدی هادی به ۶۶۷
- بیوت علمی قم در قرن چهاردهم / ناصرالدین انصاری ۷۰۵
- آیت الله شیخ محمد خالصی زاده و چالش در قم / حمید کرمی پور / رضا مختاری اصفهانی ۷۱۳
- سرگذشت کتابخانه دار التبلیغ اسلامی / ابوالفضل عرب زاده ۷۲۵
- احمد اثنی عشری، روحانی و شاعر قمی / سمیه [و] فرشته اثنی عشری ۷۵۱

نقش حوزه و روحانیت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

سید جواد ورعی^۱

درآمدی بر بحث

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و تأسیس جمهوری اسلامی ایجاب می کرد که روحانیت در نظام جدید نقش کلیدی بر عهده بگیرد. در میان همه موضوعات سیاسی روز نمی توان از موضوع سیاسی دیگری به مثل «تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی» که روحانیت و حوزه های علمیه در آن مشارکت داشتند، سخن گفت. نه تنها مراجع و علمای تراز اول حوزه های علمیه، قم، مشهد و اصفهان در این مورد به صحنه آمدند، بلکه بسیاری از علما و روحانیان شهرستان ها و تعدادی از علمای مقیم لبنان و نجف اشرف هم در این موضوع مشارکت کردند. حتی بسیاری از علما و روحانیانی که در دوران نهضت و مبارزات ملت ایران حضور و مشارکت نداشته و اصولاً با فعالیت سیاسی روحانیت موافق نبودند، یا معتقد به براندازی رژیم پهلوی و تأسیس نظام جدید سیاسی نبوده و خواهان بقای سلطنت و تشریفاتی شدن شاه و مسئولیت دولت و عمل به قانون اساسی مشروطه بودند، پس از پیروزی و تأسیس جمهوری اسلامی، در این موضوع مهم مشارکت نمودند. «دعوت مکرر امام خمینی از علما بر مشارکت در تدوین قانون اساسی»، «اهمیت این سند در سرنوشت آینده انقلاب و ایران» و «اقبال عمومی به روحانیت» از جمله عوامل مشارکت گسترده علما در این زمینه بود.

در یک تقسیم بندی کلی می توان مراجع، علما و روحانیانی را که در موضوع تدوین قانون اساسی برای جمهوری اسلامی مشارکت کردند، به دو گروه تقسیم کرد:

۱. گروهی که با نگاه کاملاً سنتی قانون اساسی واقعی را در جامعه اسلامی قرآن دانسته و اعتقاد چندانی به تدوین قانون اساسی مرسوم نداشتند. نظرات و پیشنهادهایی هم که احیاناً

^۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

برای اصلاح پیش نویس قانون اساسی ارائه می کردند، غالباً در همین راستا بود. تلاش می کردند همه امور کشور را تحت نظر مراجع و روحانیت قراردادده یا با صراحت از حق وتو برای ایشان سخن می گفتند.

۲. گروه دوم که شناخت بیشتری با نظام های سیاسی و اقتضانات زمانه داشتند، تلاش وافری برای جمع میان مؤلفه های جمهوریت و اسلامیت داشته و در اندیشه تدوین قانونی بودند که در جامعه امروز قابل اجرا بوده و حکومت دینی، روحانیت و نظام سیاسی جدید به مخالفت با مفاهیم جدیدی چون حقوق بشر، آزادی های اجتماعی و سیاسی، حقوق اقلیت ها، حقوق زنان و مانند آن متهم نگردد.

در گزارش نسبتاً مبسوطی که در ادامه مقاله از روند تدوین قانون اساسی و مشارکت حوزه و روحانیت ارائه خواهد شد، این دو نگاه کلان قابل مشاهده است.

تصمیم به تدوین قانون اساسی جدید

با آشکار شدن نشانه های سقوط نظام شاهنشاهی پهلوی و تأسیس نظام جدید سیاسی در ایران، اصلاح قانون اساسی مشروطه و سپس تدوین قانون اساسی جدید در دستور کار قرار گرفت. امام خمینی ماهها پیش از پیروزی انقلاب، هدف خود را مبنی بر برچیدن نظام سلطنتی و تأسیس حکومت اسلامی و در نهایت «جمهوری اسلامی»، که هم نمایانگر شکل حکومت بود و هم محتوای حکومت، علنی ساخت.^۱

ایشان برای قانون اساسی مشروطه دو مرحله قائل بود:

مرحله پیش از کودتای رضاخان، که مردم به خاطر عدم توانایی در اجرای طرح حکومت اسلامی به منظور تقلیل ظلم و استبداد قاجار بر آن شدند که قوانینی وضع شود تا سلطنت به صورت سلطنت مشروطه درآید.^۲ معتقد بودند تمام مسائلی که مطرح می کنند قابل استناد به متمم قانون اساسی است. مرحله دوم پس از کودتای رضاخان، که او با قدرت سرنیزه و قلدری قانون اساسی را تغییر داد و یک مجلس مؤسسان با زور و قلدری تأسیس کرد و ملت به هیچ وجه با او موافق نبود. از این رو، سلطنت پهلوی که از جانب انگلیسی ها بر ایران تحمیل شد، غیرقانونی است.^۳

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۴۴، ۵۷/۸/۱۰.

۲. نائینی از رهبران مذهبی مشروطه در اثر معروف خود به سال ۱۳۲۷ ق، فلسفه تدوین قانون اساسی را «کنترل رفتار دولتمردان و منضبط کردن اداره مملکت» شمرد که بدون آن «مراقبت و محافظت متصدیان مانند محمول بلاموضوع و از قبیل سر بی صاحب تراشیدن خواهد بود.» (ر.ک: نائینی، محمد حسین، تنبیه الامة و تنزیه المله، تحقیق و تصحیح سید جواد ورعی، ص ۸۹).

۳. صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۲۹، ۵۷/۸/۱۹.

نقش حوزه و روحانیت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی □ ۳۱۱

ایشان تا یک ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نظر به اصلاح قانون اساسی مشروطه و حذف اصول مربوط به نظام شاهنشاهی و جایگزین کردن اصول متناسب با جمهوری اسلامی داشت.^۱ در حالی که در این مقطع برخی از شخصیت‌های مذهبی حتی در تراز مراجع،^۲ و بعضی از شخصیت‌ها و احزاب سیاسی^۳ از قبول سلطنت، ولی مشروط به رعایت قانون اساسی مشروطه سخن می‌گفتند، امام خمینی طرح آن را در شرایط اوج‌گیری نهضت، خیانت به انقلاب خواند، چرا که باعث دلسردی مردم و توقف نهضت و ابتر ماندن آن می‌شد و بار دیگر فرصتی را در اختیار سردمداران رژیم استبدادی پهلوی قرار می‌داد تا خود را از غرق شدن در سیلاب انقلاب مردم نجات داده و با تجدید قوا به قلع و قمع نیروهای انقلاب بپردازند.^۴ ایشان در این مرحله از ضرورت تدوین قانون اساسی جدید سخن گفت^۵ و چند روز بعد خطوط

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۱۷ و ۴۱۸؛ ۱۰ خرداد ۱۳۵۷؛ همان، ص ۵۱۴ و ۵۱۵؛ ۲۰ مهر ۱۳۵۷؛ همان، ج ۵، ص ۱۷۰، ۱۳ آذر ۱۳۵۷؛

۲. روزنامه ایران پست، ۲۴ آذر ۱۳۵۷، ص ۷. آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری: «قانون اساسی خون‌به‌ای ملت ایران است که متأسفانه تا به حال هیچ‌گاه به آن عمل نشده است و این قوه مجریه بود که در طول تاریخ به جای حراست از آن، با خودسری‌ها و خودکامی‌ها در هر زمان به نحوی از انحاء به قانون اساسی ملت یورش برد و بدون در نظر گرفتن قوه مقننه و قوه قضائیه خود یک‌ه‌تاز میدان شد و اصول و فروع قانون اساسی را پایمال کرد.» ایشان در مراحل بعد از اصلاح قانون اساسی مشروطه دفاع کرده و حتی در استانه تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی هم آن را تکرار نمود و گفت: «قبل از پیروزی انقلاب و در همان ایام که اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران به جمهوری اسلامی رأی دادند، صحبت از قانون اساسی جدید مطرح شد. ما این نظر را ارائه کردیم که بهتر است قانون اساسی قبلی محفوظ بماند و فقط مواد مربوط به رژیم سلطنتی از آن حذف شود و به جای آن مواد مربوط به جمهوری اسلامی جایگزین گردد. (ر.ک: روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ مرداد ۱۳۵۸)؛ افراد دیگری هم مثل آیت‌الله سیدرضا صدر و دکتر مهدی حائری یزدی و برخی دیگر هم چنین نظری داشتند. (ر.ک: انقلاب اسلامی، ۶ تیر ۱۳۵۸ و خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی، صص ۱۰۸-۱۰۹)

۳. دکتر مظفر بقایی در «نقطه‌نظری درباره پیش‌نویس قانون اساسی از حزب زحمتکشان ملت ایران»؛ هم‌چنین ر.ک: اسناد لانه جاسوسی امریکا، شماره ۲۳، ص ۱۸. «نهضت آزادی به قانون اساسی معتقد است. اگر شاه حاضر باشد که تمام مواد قانون اساسی را به اجرا درآورد، ما آماده‌ایم تا سلطنت را بپذیریم.» در این اسناد به تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۵۷ برابر با ۹ نوامبر ۱۹۷۸ از طرحی سخن به میان آمده که طراح آن ناصر میناچی بود. بر اساس این طرح مجلس مؤسسان کار خود را با قانون اساسی مصوب سال ۱۹۰۶ م (قانون اساسی مشروطه قبل از تغییر آن در سال ۱۹۲۵ به نفع سلطنت پهلوی) شروع خواهد کرد و این‌که چه اصولی باید به آن افزوده و چه اصولی باید از آن حذف شود. به گفته این سند وی با سفر به قم موافقت آقایان شریعتمداری، گلپایگانی و مرعشی را نیز با این پیشنهاد به دست آورده، هم‌چنین موافقت مهدی بازرگان و امیدوار به کسب موافقت کریم سنجابی. (اسناد لانه جاسوسی، ج ۳، ص ۲۵۶، سند ش ۳۷)

۴. صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۹۸، ۵۷/۹/۱۸؛ ص ۳۹۹، ۵۷/۱۰/۱۸.

۵. همان، ص ۳۰۴، ۵۷/۱۰/۱۰؛ ص ۴۰۰، ۱۳۵۷/۱۰/۱۸. در پاسخ به خبرنگار انگلیسی: «اکنون مشغول تهیه قانون اساسی جدید هستیم.»

۳۱۲ □ صد سالگی حوزه قم (دفتر دوم)

اصلی قانون اساسی جمهوری اسلامی را «اصول مسلم اسلام» دانست^۱ که در قرآن و سنت بیان شده است. هدف از تأسیس «شورای انقلاب» را هم ایجاد حکومتی موقت به منظور تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی و امور دیگر اعلام نمود.^۲ و در حکم نخست‌وزیر دولت موقت نیز آن را تکرار کرد.^۳

به توصیه ایشان، دکتر حسن حبیبی مأمور تدوین پیش‌نویس قانون اساسی شد. پس از انتقال آن به ایران در مراحل متعددی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. به دستور امام برای اظهار نظر مراجع تقلید و علمای حوزه در اختیار آنان قرار گرفت. بنابر گزارش استاد مرتضی مطهری، عضو شورای انقلاب «قانون اساسی پیش‌نویسی دارد که عده‌ای از علما و مدرسین قم دیده‌اند^۴ و قرار است عده زیاد دیگری از صاحب‌نظران ببینند و بعد در اختیار همه مردم قرار داده شود و همه صاحب‌نظران در آینده روی آن اظهار نظر کنند. ... این که مواد قانون اساسی بر اساس رژیم جمهوری اسلامی چگونه باید باشد، همه صاحب‌نظران باید اظهار نظر کنند که در کادر اسلامی چگونه باید نظر داد؟ الان ما قانون اساسی تمام شده نداریم. روی این پیش‌نویس همه مردم می‌توانند اظهار نظر کنند ولی بر طبق معیارهای اسلامی»^۵ دکتر ناصر کاتوزیان، از حقوق‌دانان کشور نیز که در مقطعی جزو گروه بررسی کننده پیش‌نویس قانون اساسی بود، از ارسال آن به قم و دریافت نظرات مراجع و علما یاد کرده و نوشته: «پیش‌نویس برای اظهار نظر به قم فرستاده شد و آقایان مراجع و پاره‌ای از فقها، که بعدها به نمایندگی مجلس خبرگان رسیدند، در باره طرح پیشنهادهایی دادند که دوباره در همان گروه چهار نفری مطرح و بسیاری از آن‌ها رعایت شد، ولی خواسته‌ها و پیشنهادهای شباهتی به آن چه در مجلس خبرگان به تصویب رسید نداشت.»^۶ در همین فاصله،

۱. همان، ص ۴۳۶، ۵۷/۱۰/۲۳.

۲. همان، ص ۴۶۷.

۳. همان، ج ۶، ص ۵۴ و ۵۵؛ ۱۵ بهمن ۱۳۵۷.

۴. آیت الله طاهری خرم‌آبادی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز در این زمینه اظهار می‌داشت: «عده‌ای از اعضای جامعه مدرسین معین شدند تا پیش‌نویس را بررسی کنند و این جلسه، اول هر صبح در میدان آستانه قم برگزار می‌شد. تا آنجا که در خاطر هست آقایان ملکوتی، ربانی، مشکینی و یزدی در این جلسه حضور داشتند.» (مجموعه اسناد و مدارک تدوین قانون اساسی، ج ۳، ص ۹۷۵، مصاحبه با آیت الله سید حسن طاهری خرم‌آبادی، هفدهم و بیست و ششم خرداد ۱۳۸۳)

۵. مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۲۴، صص ۲۹۸ - ۳۰۰.

۶. کاتوزیان، ناصر، گذری بر انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات، ۱۳۶۰، مقدمه. ایشان در یک سخنرانی در سال ۱۳۷۸ نیز ضمن ارائه گزارشی از روند تدوین پیش‌نویس اظهار داشت: «آقای دکتر حبیبی با قم بیشتر آشنا بود به آنجا می‌رفت و طرح را به علما نشان می‌داد. علما نیز اظهار نظرهای خود را مطرح می‌کردند. بسیاری از آن اظهار نظرها اعمال نشد چرا که قابلیت اعمال را هم نداشت و برخی از نظرات نیز بود که ما نیز رعایت کردیم.» (نشست علمی پیرامون «تاریخ تدوین قانون اساسی»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، انتشار در تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۲ در روزنامه آفتاب امروز و سپس در نشریه حقوق اساسی، سال اول، شماره اول، ویژه پاییز ۱۳۸۲)

نقش حوزه و روحانیت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی □ ۳۱۳

پیش‌نویس در کمیسیونی در دفتر دکتر یدالله سحابی وزیر مشاور در طرح‌های انقلاب نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت. سپس شورای انقلاب در جلسات متعددی به بررسی آن پرداخت.^۱ مراجع و عالمان دینی پس از اطلاع از مفاد پیش‌نویس اقدام به ارائه طرح مستقل یا نقد و بررسی آن پرداخته و پیشنهادهایی ارائه کردند که در مقاله مطرح خواهد شد. در این نوشتار سعی نمودیم مشارکت حوزه و روحانیت را در چند بخش به اختصار بازتاب دهیم.

بخش اول: گزارشی بسیار کوتاه از رساله‌هایی که در آستانه پیروزی انقلاب یا اندکی پس از پیروزی به معرفی حکومت اسلامی و ساختار مربوط به آن به رشته تحریر درآمد.

بخش دوم: طرح‌های مستقل علما برای قانون اساسی جمهوری اسلامی

بخش سوم: نقد مراجع، علما و تشکل‌های حوزوی بر پیش‌نویس قانون اساسی

بخش چهارم: مشارکت فعال آنان در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در مرداد ۱۳۵۸ و همه‌پرسی قانون اساسی در آذر همان سال.

بخش پنجم: شمارش مهم‌ترین دغدغه‌های حوزه و روحانیت در نظام سیاسی جدید که با مشارکت و اهتمام جدی ایشان در پاره‌ای از اصول قانون اساسی تبلور یافت.

و بخش پایانی: میزان اهتمام حوزه و روحانیت در حراست از قانون اساسی و عمل به اصول آن در عصر جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته.

بخش اول: رساله‌هایی در معرفی حکومت اسلامی

در این بخش به ارائه گزارشی کوتاه از چهار رساله «حکومت جمهوری اسلامی» اثر آیت‌الله علی مشکینی، «حکومت اسلامی» اثر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، «جمهوری اسلامی» اثر آیت‌الله حسین نوری همدانی و «حکومت اسلامی در چشم انداز ما» از آیت‌الله شیخ جعفر سبحانی می‌پردازیم. البته رساله‌هایی که علما و روحانیان در باره حکومت اسلامی در سال‌های نهضت اسلامی نگاشته‌اند، بسیار بیش از این است، اما این چند رساله در ظرف چند ماه قبل و بعد از پیروزی نوشته و منتشر شده‌اند.^۲

رساله آیت‌الله مشکینی

ایشان که عضو مجلس خبرگان قانون اساسی هم بود، در ابتدای رساله «جمهوری اسلامی» نوشته: «محتوای جزوه ترسیمی است اجمالی از چهره واقعی حکومت اسلامی، که در عصر حضور امام اصل، و پیشوای عدل، یعنی رهبر منصوب و منصوص از طرف الله، در قیافه حکومت یک فرد الهی بر

^۱ . صورت خلاصه مذاکرات شورای انقلاب، از تاریخ ۶ لغایت ۳۱ خرداد ۱۳۵۸.

^۲ . متن کامل این رساله‌ها در مجموعه اسناد و مدارک تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، ج ۱ و ۲ آمده است.

۳۱۴ □ صد سالگی حوزه قم (دفتر دوم)

مردم، و در اعصار غیبتش، در شکل حکومت جمهوری اسلامی، یعنی حکومت جانشینان عادل امام اصل، و منتخبین صالح توده بر مردم تحقق می‌یابد، و به تعبیر جامع و مشترک از آن در هر دو زمان حکومت قانون عادلانه بر مردم است.»

از نظر ایشان حکومت در اسلام به یک معنا «حکومت مردم بر مردم» است چون سرنوشت زندگی مردم در دست خود آنها و حاکم و مسلط و صاحب اختیار در همه امور خودشان می‌باشد. احدی را حق تسلط و اجبار آنان نیست، و تصویب و اجراء امور عامه از ناحیه گروه شوری و گروه اجراء، طبق اراده و توکیل خود مردم است. اما به معنای دیگر، حکومت توحیدی است و اراده الهی بر آن حاکم است. در تصویر ایشان حکومت در عصر غیبت، با تشکیل سه گروه یا به تعبیر دیگر سه مجلس تحقق می‌یابد.

۱. گروه افتاء ۲. گروه شوری ۳. گروه اجراء، و بر هر یک از گروه سه‌گانه است که از میان خود فردی را که لایق‌تر و مدبرتر تشخیص دهند به طور موقت به ریاست مجلس خود انتخاب کنند. گروه افتاء که متشکل از فقیهان است، به استخراج قوانین و مقررات اسلامی پرداخته و آنها را در اختیار گروه اجرا می‌گذارد. از نظر ایشان در جمهوری اسلامی این گروه جایگزین مرجعیت فردی بوده و وظایف فردی مردم و تکالیف اجتماعی حکومت را در قالب قانون تعیین می‌کند. البته چون توجه داشته اند که همیشه گروه افتاء به اتفاق نظر دست پیدا نمی‌کند، صور مختلف را تصویر کرده و حکم هر یک را بیان نموده است.

«گروه شورا که در اصطلاح فعلی وکلای مجلس شوری نامیده می‌شوند، هیئت تشکیل دهنده پارلمان ملی، و وکلا انتخاب شده از طرف ملت‌اند (نظیر وکلا پارلمانی که در دولت مشروطه و برخی از جمهوری‌ها وجود دارند.) وظیفه این گروه آن‌که، در مجمع خویش طرح‌های مختلف امور موبوطه کشور را مورد مطالعه و بررسی قرار داده، طبق مصالح عامه کشور و ملت به تصویب می‌رسانند، و سپس تحویل گروه اجرایی می‌دهند تا به مرحله عمل درآید.»

شرط رسمیت و نفوذ مصوبات مجلس شوری در حکومت اسلامی، آنکه «باید عده‌ای از وکلای مجلس مجتهد و فقیه واجد شرایط، یا صاحب بهره وافی از علوم اسلامی و منصوب از جانب گروه افتاء باشد، بدین منظور که قوانین مصوبه مجلس زیر نظر و اشراف آنها تصویب شود، و از مرز احکام اسلامی بیرون نرود، و در چهارچوب برنامه تقنینی گروه افتاء واقع و اجرا گردد. ایشان سیره عقلا و دستور شرع مبنی بر پیروی از روشهای عقلایی مانند شورا را مبنای گروه شورا دانسته است.»

«گروه اجرا که در اصطلاح قوانین فعلی هیئت وزراء نامیده می‌شوند، مرکبند از عده‌ای خاص که از طرف هیئت وکلا برای اجرای برنامه‌های تصویبی و پیاده کردن مصوبات مجلس شورا انتخاب و تعیین می‌شوند.»

نقش حوزه و روحانیت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی □ ۳۱۵

از نظر ایشان دلیل نفوذ فعالیت‌های این گروه در تصرفاتی که راجع به اموال شخصی مردم یا متعلق حقوق شخصی آنهاست، آن است که آنان وکلای مع الواسطه ملت‌اند، که به وسیله گروه شورا، انتخاب می‌شوند، و تصرف وکیل در مورد و شعاع وکالت خود نافذ است، و اما در تصرف در اموال دولتی و اموال ملی و سایر امور مربوط به کشور، چون از شئون ولایت فقیه و در شمار کارهای مربوط به حاکم و والی جامعه است، مشروعیت خود را از آن ناحیه دریافت می‌کند.

بخش دوم این اثر به بحث در باره بودجه و امور مالی، هم چنین نقش و جایگاه فقیه عادل، نظارت بر گروه افتاء، نقش مذاهب اسلامی و زنان در جمهوری اسلامی اختصاص دارد.

رساله آیت الله نوری همدانی

رساله دوم، «جمهوری اسلامی» به قلم آیت الله حسن نوری است که در اسفند ۱۳۵۷ در استقبال از پیروزی انقلاب قلمی شده. وی در این نوشته به معرفی حکومت در اسلام پرداخته، و نوشته:

در اسلام «حکومت» هرگز نباید عامل امتیاز و تفوق برای حاکم و خویشاوندان وی و کارمندان دولت او نسبت به توده مردم باشد آنها هرگز حق ندارند که خود را از مردم بالاتر و برتر تصور کنند بلکه لازم است خود را خدمتگزار ملت بدانند چنان که اموالی که از مردم به عنوان مالیات اسلامی گرفته می‌شود و بیت المال نامیده می‌شود باید با کمال دقت تا آخرین دینارش در راه تأمین مصالح جامعه خرج شود همان طور که پلیس و ارتش از نظر اسلام فقط برای حفظ شهرها و روستاها و مرزها از تهاجم بیگانگان و ایجاد امنیت واقعی است.

در نگاه ایشان حکومت اسلامی «حکومت فرد بر مردم» نیست چنان که «حکومت مردم بر مردم» هم نیست بلکه «حکومت خدا بر مردم» است. در ادامه ویژگی‌های قانون و قانونگذاری در اسلام را بیان کرده و از دو اصل «اجتهاد» و «شورا» به عنوان اصول بنیادین در جمهوری اسلامی یاد کرده است. به نظر او «چون فقهاء و مجتهدین اسلامی نوعاً فقط در علوم اسلامی و استخراج قوانین حیات بخش اسلام از کتاب و سنت تخصص دارند و مهارت در شناخت موضوعات و تطبیق کلیات بر مصادیق از حدود تخصصی آنها خارج است، لذا لازم است در این موضوع به افراد متخصص مراجعه شود؛ و از طرفی چون همه مردم این شناخت را ندارند لازم است جمعی از آگاهان و متخصصینی را که در شناخت موضوعات و تشخیص مقتضیات و شرایط عصر و زمان مهارت کافی دارند، به عنوان نماینده ملت از میان مردم انتخاب نمایند تا در سایه مشورت و تبادل فکر مسیر مسائل مملکتی را معین کنند.»

سپس شرایط رهبری در اسلام را بیان کرده و نسبت به چگونگی انتخاب وی یادآوری نموده «در صورتی که چند نفر دارای شرایط باشند مردم می‌توانند یکی از آنان را برای رهبری جامعه خود انتخاب نمایند. چنان که آن چند نفر نیز می‌توانند یک نفر را از میان خود برای اداره امور مملکت انتخاب کنند

۳۱۶ □ صد سالگی حوزه قم (دفتر دوم)

همان طور که می‌توانند با تشریک مساعی و مشورت نیز امور مملکت را انجام بدهند.»
در الگوی مورد نظر ایشان سه راه برای انتخاب رهبر واجد شرایط وجود دارد.

- مردم او را انتخاب می‌کنند،
- واجدان شرایط یک نفر از میان خود را برای رهبری بر می‌گزینند،
- واجدان شرایط به صورت گروهی و شورایی کشور را اداره می‌کنند.

ملاحظه می‌شود که بر خلاف داوری‌های امروز در باره برخی از این راهکارها، هیچکدام از سه مدل در تنافی با موازین اسلامی تشخیص داده نشده است.

رساله آیت الله مکارم شیرازی

به عقیده آیت الله مکارم شیرازی «حکومت از دیدگاه اسلام یک موهبت الهی است، ولی موهبتی که از ناحیه او به «مردم» داده شده است، و نه غیر آن...؛ حکومت در منطق اسلام شکل نمایندگی از طرف خداوند دارد و در چهارچوب «حق» و «سبیل الله» باید قرار گیرد، و هر حاکم خودکامه‌ای غاصب و متجاوز است. از دیدگاه وی در اسلام چهار اصل وجود دارد که از تلفیق آنها حکومت اسلامی شکل می‌گیرد:

اصل «مشارکت مردم در امور اجتماعی و اعتبار رای اکثریت، اصل «لزوم مراجعه به خبره، و اصل «ولایت فقیه» به معنای «مرجع بودن مجتهدان و متخصصان مسائل اسلامی در قوانین اسلامی و لزوم مراجعه به آنان و نظارت ایشان بر اجرای صحیح قوانین.» با این توضیح که آنان در آن دسته از مسائل اجتماعی که تخصص ندارند، مستقلاً عمل نکرده و با مشارکت متخصصان فنون مختلف در هر زمینه‌ای اقدام می‌کنند.

و بالاخره اصل «وجوب حفظ نظام جامعه و حرمت اختلال در آن».

به باور ایشان هیچ گروهی حتی «فقها» حق ندارند استبداد به خرج دهند و باید همه کارهای اجتماعی را با تشریک مساعی عموم افراد جامعه به مرحله عمل درآورند. چنان‌که هیچ‌کس به عنوان یک مقام ثابت و ابدی و نسل در نسل در نظام این حکومت جایی نخواهد داشت. همه مناصب بر طبق شایستگی‌ها و پاکی و درستی تقسیم می‌شود؛ و اصل و نسب و گروه‌بندی اجتماعی و زد و بندها در آن تاثیر ندارد. چنان‌که ولایت فقیه «نظارت بر اسلامی بودن قوانین و طرز اجرای صحیح آنهاست و نه غیر آن. دیدگاه‌های ایشان در ماه‌های بعد نیز در مطبوعات و نیز مجلس خبرگان قانون اساسی منعکس شد.

رساله آیت الله سبحانی

رساله دیگر این فصل، «حکومت اسلامی در چشم انداز ما» به قلم آیت الله شیخ جعفر سبحانی

نقش حوزه و روحانیت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی □ ۳۱۷

است. وی در این رساله ضمن ارائه تحلیلی از دیدگاه شیعه در مسئله حکومت و تنصیبی بودن آن در عصر حضور، به تشریح نظریه خویش در باره حکومت در عصر غیبت پرداخته و با ردّ «حکومت تحمیلی» در اسلام، از حکومت «مردم بر مردم» دفاع کرده، سپس ساختار پیشنهادی خود را توضیح داده و قوه مقننه را متشکل از دو گروه «افتاء» و «شورا» دانسته، گروه نخست را «غیرانتخابی و شناختنی» و گروه دوم را «انتخابی مردم» توصیف کرده است. بیان وظایف اجتماعی در زمینه های مختلف را بخشی از وظایف گروه افتاء شمرده که الگوی گروه شورا در وضع قوانین و مقررات خواهد بود. در ادامه بر این نکته تأکید نموده که تا تشکیل گروه افتاء، هم چنان «فتوای اعلم» معیار خواهد بود، هر چند فتوای گروهی و جمعی را «اقترب به صواب» توصیف کرده است. چنان که تشکیل این گروه را که در حقیقت همان «شورای رهبری» است، منوط به وجود شرایط مناسبی دانسته که دشمنان از آن سوء استفاده نکنند. در ادامه رساله با طرح این پرسش که «سرچشمه قدرت کجاست؟» با نفی «قدرت فردی»، «قدرت برگزیدگان و اشراف» و «قدرت ثروتمندان»، مردم را سرچشمه قدرت دانسته و با استناد به دلایل قرآنی از حکومت مردم بر مردم (دموکراسی مکتبی) دفاع کرده است. «تشریع واجبات کفایی در اسلام» که در حقیقت تکلیفی بر عهده جامعه است را دلیل دیگری بر مسئولیت مردم در این زمینه ارزیابی کرده و نتیجه گرفته که «سرچشمه قدرت در تأسیس حکومت، افراد جامعه اسلامی است و آنان موظف هستند که دولت اسلامی را تشکیل دهند. زیرا اوست که باید دست دزد را ببرد، بدکار را تازیانه بزند، با دشمن نبرد کند. حالا که اسلام این تکالیف را از خود جامعه می‌خواهد، باید به خود او نیز اجازه دهد که تشکیل دولت بدهد زیرا قیام به این وظایف بدون یک مرکز سرپرستی ممکن نیست.»

در ادامه با اشاره به جایگاه عقل در فقه و استنباط احکام یادآور شده که «عقل با روشنی کامل، حفظ نظام انسان را واجب می‌داند و اندیشمندان اسلام بر پایه همین حکم عقل گفته‌اند که یک قسمت از حرفه‌ها و صنایع، واجب کفایی است. هرگاه حفظ نظام واجب و لازم است و عقل حفظ نظام را از او می‌خواهد، و از طرفی حفظ و حراست آن بدون وجود دولت نیرومند امکان‌پذیر نیست، از این جهت جامعه اسلامی به حکم خرد برای نظم و انضباط، و حفظ نظام باید دست به تأسیس سازمان سیاسی بزند که بتواند به تکلیف خود عمل کند و این خود گواه بر این است که سرچشمه قدرت خود ملت اسلامی است.» سیره مسلمانان بعد از رحلت رسول خدا(ص) و مراجعه به امت اسلامی به تصور این که رهبر و جانشینی از سوی آن حضرت تعیین نشده، نشان می‌دهد که در فرض عدم نصب رهبر از سوی شرع، باید به مردم مراجعه کرد و راه دیگری وجود ندارد.

استناد به احادیث معتبری چون «الناس مسلطون علی اموالهم» و دلالت آن بر عدم سلطه دیگران بر مال مردم، و استفاده «عدم سلطه احدی بر جان مردم و شئون زندگی شان» از طریق اولویت، به ضمیمه «ضرورت وجود سلطه و حکومت در جامعه»، دلیل دیگر این عالم دینی برای «لزوم استیذان از مردم

برای تصرف در جان و مال آنان» و در نتیجه حکومت مردم بر مردم است. در پایان به سه طرح دیگر برای تشکیل حکومت اشاره کرده: «گزینش دولت از طریق بیعت»، «گزینش دولت از طریق شورای عالی اسلامی» و «تشکیل دولت به وسیله فقیه جامع الشرایط». به باور ایشان دو راهکار نخست با استقبال اهل سنت روبرو شده و راهکار سوم مورد قبول فقهای امامیه است. وی در این کتاب نسبت به راهکار سوم بر این عقیده است که «در باره ولایت گسترده فقیه سخنی نیست، ولی در صورتی که جامعه اسلامی، به وظایف اجتماعی عمل نکند و یا به عللی نتواند عمل نماید، در این صورت بر فقیه لازم است که به عنوان یک کار اجتماعی «زمین مانده» دست به تشکیل دولت بزند و دولت صالحی را روی کار بیاورد و از مجموع روایاتی که درباره ولایت فقیه جامع الشرایط وارد شده است، این مطلب استفاده می‌شود.»

بخش دوم: طرح‌های مستقل قانون اساسی

برخی از علمای حوزه به جای نگارش رساله در معرفی حکومت اسلامی، به تدوین طرح مستقل قانون اساسی برای نظام سیاسی جدید پرداختند. به رغم برخی نظرات که «چرا حوزه علمیه با آن همه آوازه‌ها و دورنماها، به مورد حساس قانون اساسی که رسید، کار خاص و قابلی برای عرضه نداشت»،^۱ غیر از مشارکت حوزه‌های علمیه و علما در نقد و بررسی پیش‌نویس و ارائه پیشنهادها، جایگزین برای برخی از اصول قانون اساسی (که در بخش سوم خواهد آمد)، و حضور فعال در انتخابات مجلس خبرگان و کسب اکثریت آراء مردم (که در بخش چهارم خواهد آمد)، و ایفای نقش در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، به رغم دیدگاه‌ها و سلیقه‌های گوناگون، طرح‌های مستقلی هم از سوی تعدادی از علما به مجلس خبرگان قانون اساسی ارائه شد. گرچه بسیاری از آن نظرات و طرح‌ها نیازمند جرح و تعدیل و اصلاح شکلی و محتوایی متناسب با شرایط و اقتضائات زمانه بود، اما نفس حضور و مشارکت فعال حوزه و روحانیت در موضوعی که مسبوق به سابقه نبود، دارای اهمیت فراوان بود. اقبال عمومی به روحانیت به دلیل حضور فعال در دوران نهضت و دفاع از حقوق مردم در برابر استبداد و استعمار، از جمله عوامل مهم این حضور بشمار می‌رود. در این بخش برخی از این طرح‌ها را به اجمال معرفی می‌کنیم.^۲

^۱ . خاطرات حجة الاسلام و المسلمین سید منیرالدین حسینی هاشمی، ۲۴۴

^۲ . متن کامل این طرح‌ها در مجموعه اسناد و مدارک تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است. هم‌چنین برخی از آن‌ها پیشتر در مجله پیام بهارستان، ش ۱۴ انتشار یافته است.

طرح آیت الله صافی گلپایگانی

آیت الله لطف الله صافی در ابتدای این طرح با اشاره به این که «آن چه به عنوان قانون اساسی تدوین می گردد؛ باید بر اساس اصول و ضوابط کلی و جهان بینی اسلام، و معرف نظر اسلام به حیات و سیاست و اقتصاد و اجتماع و عقیده و اخلاق باشد»، افراد را از دخالت دادن گرایش های خود به مکاتب شرق و غرب در تدوین قانون اساسی برحذر داشتند و افزودند: «به عقیده مسلمانان، و به گواهی تاریخ و حکومت پیغمبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) نظام اسلام یگانه نظامی است که از هر جهت کامل و انقلابی، و پیشرو و حافظ حقوق و ارزش های متعالی انسان است، نظامی است که در آن حاکم و محکوم علی السواء و برابرند، در آن استکبار و استعلاء، و گردن کشی و برتری جویی و برتری فروشی نیست. نظام مدینه پیغمبر و کوفه علی و خانه محقر و بی اثاث و لباس وصله دار آن ها است. نظامی است که روش سلمانش در استانداری مدائن سرمشق استانداران و ابوذرش در موقف اعتراض و انتقاد از انحرافات حکومت رهبر آزاداندیشان و معترضان است. مواد قانون اساسی این نظام باید معرف این نظام و نقطه نظرهای اسلام و استقلال نظام اسلام و امتیازات آن بر نظامات دیگر باشد.»

سپس مهم ترین مواردی را که باید در قانون اساسی مراعات کرد، به شرح ذیل برشمردند:

۱- «چون انقلاب ملت ایران اسلامی بوده و خون های عزیزی که نثار شد، و زحمات و خسارت هایی که طبقات مختلف، کارگران، کشاورزان، کارمندان، دانشجویان، بازاریان، فرهنگیان، استاتید، طلاب، وعاظ، علماء و سایر طبقات متحمل شدند فی سبیل الله، و برای نجات اسلام از خطرات، توطئه ها و نقشه های استعمار بود باید هدف این انقلاب که برقراری نظام اسلام است در این قانون کاملاً در نظر گرفته شود، و در هر جمله و لفظ آن صدا و شعارهای اسلامی جوانان عزیزی که در راه اسلام شهید شدند، و مضمون اعلامیه های تحریک بخش و نهضت انگیز مراجع تقلید منعکس گردد، نویسندگان و تصویب کنندگان قانون اساسی باید به گوش دل، ندای شهیدان را بشوند که آن ها و همه ملت مسلمان را ندا می کنند، و به یاری اسلام و قرآن می خوانند و به ما هشدار می دهند که اسلام را فراموش نکنید، و بهایی را که برای سرکوب کردن نیروی طاغوتی، و آزادی داده اید کم نشمارید، و خون های ما را محترم و گرامی بدارید، و احکام قرآن را که این همه فدایی دارد و این همه فدایی در راه آن جان نثار کردند کنار نگذارید.

۲- باید قانون اساسی جمهوری اسلامی چنان تدوین شود که هم پاسخ گوی نقطه های ضعف علمی و فرهنگی، و اقتصادی، و سیاسی که اجتماع ما را به آن مبتلا کرده اند باشد، و این خلأها را پر کند، و هم از نفوذ تبلیغات سوء سم پاشان داخلی و خارجی جلوگیری شود، و راه رخنه آن ها در جامعه مسلمانان، و افراد ضعیف و کم رشد و کوتاه فکر مسدود گردد.

۳- قانون اساسی جمهوری اسلامی باید با الهام از فرامین آزادی بخش اسلام چنان نوشته شود که برای بازگشت استعمار و دیکتاتوری و خودکامگی و بشر پرستی و نیایش در برابر مجسمه های آریامهری به اسم

۳۲۰ □ صد سالگی حوزه قم (دفتر دوم)

قانون امکان نباشد و روابط آحاد ملت با مقامات بلندپایه دولت و همچنین رابطه هر زیردست با مافوق خود عادی و انسانی و برادرانه باشد و به استعلا و استکبار طاغوتی آلوده نگردد و اطاعت از خدا و قانون خدا همه را در یک صف قرار دهد.

۴- چنان که در مورد قانون اساسی مشروطه دیدیم به واسطه آن که در بین مردم جایگاه عقیدتی نداشت یا اگر داشت رژیم مزدور و پهلوی آن را از میان برد و بی محتوا ساخت و از آن بدترین رژیم های استبدادی و تحمیلی را به وجود آورد که پایگاه عقیدتی و احترام در وجدان احدی از ملت نداشت باید از این آزمایش عبرت بگیریم و بدانیم که اگر قانون اساسی محتوایش عقیده ملت نباشد و با عقیده مردم معارض باشد سرنوشت همان قانون اساسی مشروطه، و دیکتاتوری پهلوی ها را در جلو خواهیم داشت، لذا باید برای جلوگیری از این خطر که دولت را از ملت جدا می کند به قانون اساسی و حکومت بنیاد عقیدتی بدهیم و همه را پشتیبان آن قرار دهیم، این که اصرار داریم ولایت فقیه در این قانون منعکس گردد نه برای این است که به افراد خاصی نظر داشته باشیم چون در این نظام امکان نظر به افراد خاص وجود ندارد و همه و هرکس می تواند به این صلاحیت دست یابد بلکه برای این است که با مبانی عقیدتی شیعه ولایت و حکومت غیر فقیه به هر شکل و صورت که باشد غیر شرعی و قانون اساسی بدون آن بی محتوا و بی اعتبار خواهد شد و اعتقاد به اعتبار چنان قانون و چنان حکومت یک انحراف مهم عقیدتی شمرده می شود. بدیهی است اگرچه این نظام متکی بر ولایت فقیه دموکراسی به معنی غربی نیست و حکومت خدا بر مردم می باشد و با آن دموکراسی از توحید تا شریک فاصله دارد اما محتوایش مردمی و ملی نیز هست و اگر این کلمه نارسا نباشد یک نوع دموکراسی رهبری شده و متعهد و مشروط است. ضمناً از این جهت هم ریشه مردمی دارد که تشخیص و انتخاب مرجع با خود افراد است و هرکس باید طبق بررسی و تحقیق صحیح و دور از هر گونه غرض مرجع وقت و فقیه عصر را شناسایی کند. لذا برنامه چنان جلو می آید که گزینش و تشخیص مردم هم در آن وارد می شود و صحیح ترین و بهترین گزینش ها انجام می گیرد.

۵- قانون اساسی باید چنان تدوین گردد که آزادی و حق و عدالت را در همه رشته ها و در بین همه اقشار یکسان و یکنواخت با جلوه درخشان اسلامی به مردم پیشنهاد نماید و به حکومت حق و عدل و احترام به آزادی های مشروع و حقوق بشر اهمیت شایان بدهد و جنبه های انسانی و حقوق انسان و مبارزه با استضعاف را با دید جهان بین اسلام ببیند و برای تمام افراد بشر خیر و رستگاری و رفاه بخواهد و بدون این که کمترین چشم طمع به نقطه ای و مردمی داشته باشد جامعه توحیدی و جهانی را پی ریزی نماید.»

در ادامه طرح پیشنهادی در ۱۳ فصل و در قالب ۱۹۱ اصل تنظیم و به مجلس خبرگان قانون اساسی پیشنهاد شد. عناوین فصول طرح به شرح زیر است:

فصل اول: کلیات و اصول عام

- فصل دوم: دین رسمی کشور
- فصل سوم: حق حاکمیت ملی و قوای کشور
- فصل چهارم: زبان و پرچم و خط رسمی کشور
- فصل پنجم: حقوق ملت
- فصل ششم: قوه عالی قضاوت و مرجعیت
- فصل هفتم: قوه نظارت ملی و طرح برنامه‌ریزی (مجلس شورای ملی)
- فصل هشتم: قوه حسبه و امر به معروف و نهی از منکر
- فصل نهم: قوه مجریه
- فصل دهم: قوه قضاییه
- فصل یازدهم: دیوان عدالت اداری
- فصل دوازدهم: شورای نگهبان قانون اساسی
- فصل سیزدهم: تجدید نظر در قانون اساسی

طرح آیت الله حسین علی منتظری

این طرح با ۱۶۰ اصل به عنوان یک طرح مستقل برای قانون اساسی ارائه شد. البته برخی از اصول آن برگرفته از پیش نویس قانون اساسی بود، اما اصول فراوانی هم جدید بود. از جمله مطالب بدیع این طرح می توان به اختصاص حکومت به فقهای جامع شرایط در عصر غیبت، حق حاکمیت ملی با رعایت حق حاکمیت فقیهان، الزام دولت به تبدیل بانک های ربوی به مؤسسات تجاری عام المنفعه و تأسیس بانک استقراضی، پیشنهاد «شورای جمهوری» به جای رئیس جمهور و سپردن بسیاری از اختیارات مانند فرماندهی کل نیروهای مسلح به این شورا، و ممنوعیت بازنگری در اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و دین و مذهب رسمی کشور، اشاره کرد. از جمله اصول پیشنهادی در این طرح عبارتند از:

- حق حاکمیت اولاً و بالذات مخصوص خداوندی است که خالق ما و مالک تار و پود وجود ما است «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»^۱ و هیچ فردی را بر دیگری حق حاکمیت نیست مگر این که این حق از جانب خدا ولو بواسطه به او تفویض شده باشد - چنان چه به برخی از پیامبران - از جانب خدا و به ائمه اطهار (ع) از جانب پیغمبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله (ص) و به فقهاء جامع الشرائط از ناحیه ائمه اطهار، حق حاکمیت تفویض شده است.

^۱. یوسف، آیه ۴۰.

- در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه به عقیده شیعه اثنا عشری، حکومت حقه مخصوص فقهای جامع الشرائط است. اعمال ولایت و حکومت آنان یا بالمباشره است یا به وسیله تفویض و تنفیذ حکومت دیگران.
- اگر مرجعیت عامه به نحوی که فراگیرنده اکثریت قاطع شیعه باشد برای یک نفر ثابت شد نظر او متبع است ولی اگر فقهاء جامع الشرائط در یک زمان متعدد باشند و هر یک از آنان مقلدین و پیروان چشم‌گیری دارند و در شجاعت و قدرت اراده هم، هم‌سطح اند نظر اکثریت شورای مرکب از آنها متبع می‌باشد.
- زیربنای دستورات و قوانین جمهوری اسلامی، کتاب خدا و سنت پیغمبر و ائمه اطهار است. هیچ قانونی نباید مخالف کتاب خدا و سنت باشد. تشخیص این موضوع با علماء و فقهای جامع الشرائط است.
- آراء عمومی براساس قوانین اسلام و رعایت حق حاکمیت فقهاء جامع الشرائط مبنای حکومت جمهوری اسلامی است و بر طبق دستور قرآن کریم ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾^۱ امور کشور باید از طریق شوراهای منتخب مردم در حدود صلاحیت آنان و به ترتیبی که قانون مشخص می‌کند حل و فصل گردد.
- چون ربا در اسلام حرام مؤکد است و مؤسسات بانکی با وضع فعلی بزرگترین مؤسسات استثماری می‌باشند لذا بر دولت اسلامی لازم است بانک‌ها را از معاملات ربوی باز دارد و آنها را به مؤسسات تجاری عام المنفعه تبدیل نماید و در عوض، خود دولت یک بانک استقراضی بدون بهره از بودجه دولت و افراد خیر ملت به منظور کمک به طالبین قرض‌های بدون بهره در سطح کشور تأسیس نماید. البته با رعایت تأمین پرداخت به وسیله گرو و ضامن معتبر.
- حق حاکمیت ملی بر اساس قوانین اسلام و رعایت حق حاکمیت فقهاء جامع الشرائط از آن همه مردم است... .
- اعمال قوه مجریه از طریق شورای جمهوری و هیئت وزیران است. این شورا پس از مقام رهبری دینی به نحو مذکور در اصل هفتم بالاترین مقام رسمی کشور در امور داخلی و روابط بین‌المللی و اجراء قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه است و ریاست قوه مجریه را نیز به عهده دارد.

^۱. شوری، آیه ۳۸.

نقش حوزه و روحانیت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی □ ۳۲۳

- فرماندهی کل نیروهای نظامی با شورای جمهوری است ولی اعمال فرماندهی باید از طریق دولت و با تصویب آن انجام شود. رئیس کل ستاد ارتش جمهوری اسلامی به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب شورای جمهوری تعیین می‌شود

طرح آیت الله سید محمد باقر صدر

شهید سید محمد باقر صدر اختصاص دارد. ایشان در پاسخ به درخواست جمعی از علمای لبنان به تبیین اصول بنیادین نظام سیاسی جمهوری اسلامی می‌پردازد که در برابر نظام‌هایی که حضور دین در عرصه سیاست را بر نمی‌تابند، تشکیل شده است.

ایشان با اشاره به سیر تاریخی حرکت پیامبران الهی، از «مرجعیت» به عنوان نهادی تأثیرگذار در هدایت مردم، و از ملت ایران به عنوان پرچمدار حرکتی سخن می‌گوید که می‌تواند امت اسلامی را از سلطه انسان غربی و تمدن استثمارگر آن برهاند.

شهید صدر تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی را سرآغاز عملی کردن آرمان انقلاب اسلامی توصیف کرده، آن‌گاه به بیان اندیشه‌های بنیادین در این قانون می‌پردازد و دیدگاه‌های پیشنهادی خود را جهت گنجاندن در قانون اساسی ارائه می‌کند.

با اشاره به حاکمیت خداوند، از اسلام به عنوان خاستگاه و منبع قانون‌گذاری یاد کرده، قوانین ثابت آن را لازم‌المراعات دانسته، تصریح می‌کند: «در مورد هر مسأله‌ای که نسبت به آن بیش از یک نظر فقهی وجود داشته باشد و به اصطلاح یک نظر دارای جایگزین‌های اجتهادی متعددی باشد، انتخاب گزینه مشخصی از میان این نظرات بر عهده قوه مقننه است. قوه‌ای که براساس مصلحت عمومی از سوی مردم انتخاب شده است. در مواردی که یک نظر قطعی و نهایی در مورد مسأله‌ای به صورت وجوب یا حرمت از جانب شریعت وجود ندارد، قوه مقننه که برخاسته از اراده مردم و نماینده آن‌ها است وظیفه دارد براساس مصالحی که تشخیص می‌دهد به شرط عدم مغایرت با قانون اساسی، قانونگذاری کند. گستره این قوانین «منطقة الفراغ» نامیده می‌شود. این گستره شامل تمامی حالاتی است که دین، انتخاب را بر مکلف واگذار کرده است. قوه مقننه دارای این حق است که براساس مصالح عمومی و به شرط عدم مغایرت با قانون اساسی در این موارد تصمیم‌گیری و قانونگذاری کند.»

بر اساس این دیدگاه مجلس می‌تواند یکی از فتاوای موجود را در هر مسئله‌ای مبنای قانون‌گذاری قرار دهد.

وی هم چنین در باره قلمرو حاکمیت مردم بر این باور بود که «اعمال حاکمیت قوای مجریه و مقننه بر اراده مردم استوار است و آنان صاحبان حق برای اعمال حاکمیت به شمار می‌روند و به شیوه‌ای که در قانون اساسی مشخص شده آن را اعمال می‌کنند. حق خلافت و سرپرستی، برگرفته از منشأ قدرت‌های

۳۲۴ □ صد سالگی حوزه قم (دفتر دوم)

حقیقی یعنی خداوند متعال است؛ با اعمال این حق است که امت نسبت به مسؤولیت خود به اوج آگاهی و شناخت می‌رسد، زیرا آنان درمی‌یابند تنها به عنوان «خلیفه خدا بر روی زمین» حق تصرف و اعمال قدرت را دارا هستند. بنابراین مردم به صورت استقلالی مالک قدرت و دارای حق حکمرانی نیستند بلکه آنان در پیشگاه خداوند متعال نسبت به پذیرش این امانت و قیام به وظایف خود در قبال آن، متعهد و مسؤول هستند.»

وی از «مرجعیت رشیده» به عنوان نهاد برتر در نظام سیاسی جمهوری اسلامی سخن می‌گوید و ویژگی‌هایی مانند «اجتهاد مطلق»، «عدالت»، و «مرجعیت بالفعل را که مجتهد از روش‌های طبیعی و ساز و کارهای معهود تاریخی احراز کرده باشد»، لازم می‌شمارد و در صورت تعدد مصادیق آن، «آرای عمومی» را راهکار تعیین رهبری جامعه می‌داند.

شهید صدر در ادامه به بیان اهداف داخلی و خارجی جمهوری اسلامی پرداخته، و در پایان وجوه تفاوت نظام پیشنهادی با نظام‌های سیاسی دنیا را بر می‌شمارد.

به نظر نگارنده یکی از مهم‌ترین نکات در نوشته شهید صدر، تعیین «فتوای معیار» در قانون‌گذاری است. این بحث پس از چهل سال از تأسیس جمهوری اسلامی، هم‌چنان در محافل فقهی و حقوقی مطرح است که «معیار قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی با وجود فتاوای متعدد کدامست؟» فتوای مشهور، فتوای اعلم، فتوای رهبر، فتوای فقیهان شورای نگهبان، فتوای کارآمد یا ...؟ از نظر شهید صدر در موارد اختلاف فتوا، هر یک از فتاوای روشمندی را که مجلس برگزیند و قانون را بر اساس آن وضع نماید، کافی است و مشروعیت قانون را تضمین می‌کند. این دیدگاه می‌تواند در امر قانونگذاری بسیار راهگشا باشد.

طرح سید محمد خامنه‌ای

این طرح از یک مقدمه، دوازده فصل، حاوی ۲۰۰ اصل و ۲۱ تبصره، و یک خاتمه تشکیل شده است. به موجب اصل دوم «حاکمیت، حق ذاتی ملت است که از جانب خداوند به خود ملت اعطا شده است و همه افراد ملت وظیفه دارند در حفظ و پاسداری آن کوشا باشند.» و به موجب اصل چهارم، «نماینده و مظهر اراده ملت ایران مجلس شورای ملی است که بر اساس رعایت «حدود الله» و مصلحت اکثریت مردم باید قوانین مختلف را برای حفظ استقلال کشور و تجدید بنای جامعه و نوسازی تمام نهادها و ارگان آن و تأمین سریع زندگی مرفه و پیشرفته افراد با انتخاب روش‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی اسلامی و کاربرد مناسب علم و صنعت پیشرفته روز تهیه و تصویب نمایند.»

بخش سوم، نقد مراجع و علما و تشکلهای حوزوی بر پیش نویس قانون اساسی

در این بخش به نقش فعال حوزه و روحانیت در نقد و بررسی پیش نویس تهیه شده توسط برخی از حقوق دانان خواهیم پرداخت. در مقدمه مقاله گزارشی کوتاه از روند تهیه پیش نویس ارائه کردیم، اینک به نقل مهم ترین نقدها و نظرات مراجع و علما می پردازیم.

در حاشیه نخستین پیش نویسی^۱ که برای اظهار نظر مدرسین حوزه علمیه قم ارسال شده و در بایگانی جامعه مدرسین نگهداری می شد، دیدگاه هایی با خطوط مختلف نگارش یافته بود. آیت الله محمد یزدی، در پایان مقدمه پیش نویس نوشته بود:

«بسمه تعالی نسخه ای که ملاحظه می فرمایید از نظر شریف حضرت امام گذشته و در آن شرایط با فرصت کم و عبور سریع مطالبی را که در حاشیه با قلم مشکی مرقوم داشته اند، ملاحظه می فرمائید که به نکات اساسی و جالب توجه داده شده و در عین حال فرموده اند: من فرصت مطالعه لازم را نداشته ام که اعضای محترم جامعه در سمیناری همین نسخه را مرور و نظرات خود را ارسال داشته اند.»

متأسفانه به نسخه اصلی پیش نویس با حواشی امام دست نیافتیم، از آن رو مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رضوان الله علیه) نتوانست انتساب حواشی نگاشته شده در نسخه موجود را به حضرت امام احراز نماید.^۲ شواهد دیگری هم وجود دارد که انتساب همه حواشی هیجده گانه مورد نظر آیت الله یزدی به امام را با تردید روبرو می سازد. احتمالاً این حواشی متعلق به امام و بعضی از علمای دیگر است. شواهد یاد شده عبارتند از:

- اعضای شورای انقلاب تعداد حواشی امام را بر پیش نویس چهار^۳، شش^۴ و نهایتاً نه^۵ مورد دانسته اند، در حالی که حواشی مذکور هیجده مورد است.
- آقای سید منیرالدین حسینی شیرازی که در آن جلسه حضور داشته، پیش نویس مورد بحث را دارای حواشی تنی چند از علما دانسته است.^۶
- برخی از حواشی موجود به دستخط آیت الله شریعتمداری شبیه است تا دستخط امام.

^۱ . برای ملاحظه این پیش نویس ر.ک به: مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی، از نگارنده، بخش اسناد.

^۲ . حواشی یاد شده را که نویسنده بر اساس گفته آیت الله یزدی به امام نسبت داده در کتاب «مبانی و مستندات قانون اساسی»، صص ۵۵-۵۸، و بخش اسناد، صص ۴۳-۱۰۷۷ ملاحظه کنید.

^۳ . نشریه گزارش، ش ۹۱، شهریور ۱۳۷۷، ابراهیم یزدی.

^۴ . ایران فردا، ش ۵۱، بهمن و اسفند ۱۳۷۷. عزت الله سبحانی.

^۵ . درس تجربه، خاطرات ابوالحسن بنی صدر.

^۶ . خاطرات حجة الاسلام والمسلمین سید منیرالدین حسینی شیرازی، ص ۲۴۲.

- محتوای بعضی از حواشی با آنچه آقای شریعتمداری در مصاحبه‌ها به عنوان نقطه نظرات خود در بارهٔ پیش‌نویس اظهار کرده، منطبق است.^۱

واقعیت این است که امام خمینی جز توصیه به دکتر حسن حبیبی برای تهیه پیش‌نویسی برای قانون اساسی در فرانسه، و تأکید بر نهایی کردن قانون اساسی و شکل‌گیری ساختار جمهوری اسلامی؛ و در همین راستا سفارش اکید به علما و روحانیت مبنی بر مشارکت فعال در تدوین قانون اساسی و حضور در مجلس خبرگان قانون اساسی، اظهارنظری در باره مفاد قانون اساسی نداشتند. البته این‌که قانون اساسی باید منطبق بر موازین اسلامی باشد، سفارش مؤکد ایشان بود.^۲

نظرات آیت الله گلپایگانی

آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی نظرات خود را به صورت مستقل برای امام خمینی ارسال نمود، ایشان ضمن نقد اصولی از پیش‌نویس، افزودن چند اصل را نیز پیشنهاد کرد.^۳ برخی از اصول پیشنهادی ایشان عبارت بودند از:

«فصل اول، اصول کلی و هدف‌ها

اصل (۱) اصولی که در این قانون به عنوان قانون اساسی ذکر می‌شود، بر سه نوع است:

(الف) - اصولی که قابل تغییر نیست و همیشه ثابت و جاودان خواهد ماند از این جهت که تغییر آنها مساوی با تغییر مشخصات و مقومات جامعه است، مانند اصول اسلامی این قانون که اگر چه در قانون اساسی ذکر نشود به لحاظ اصالتی که دارند و به لحاظ اینکه تشخیص و تقویم ملت ایران به آن است، اصل می‌باشند و باید مصوبات مجلس از حدود این اصول خارج نباشد، و در واقع مراجعه به آراء عمومی (رفراندوم) برای تأسیس این اصول که امری است حاصل نخواهد بود، بلکه برای تأکید و اعلام تعهد محکم ملت به حفظ و حمایت این اصول و عمل به آنها است.

(ب) - اصولی که مربوط به استقلال و حاکمیت ملی، و آنچه موجودیت و استقلال یک کشور وابسته به آن است اعتبار این اصول نیز مسلم و محرز است و تغییر آن مساوی با نفی حاکمیت ملی و نفی موجودیت کشور است.

(ج) - اصولی که بر اساس ملاحظه اوضاع و مصالح اجتماعی کنونی و اجماع یا اکثریت فعلی است، گر چه از لحاظ عمل مجلس شوری اعتبار اساسی دارد، ولی ممکن است لایزال و اقتضای به طوری که

^۱. نظرات ایشان را در همین بخش ملاحظه نمایید.

^۲. ر.ک: صحیفه امام، ج ۹، صص ۳۰۱-۳۰۵.

^۳. مجموعه نظرات ایشان را در کتاب مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی، حواشی صص ۱۰۴۳-۱۰۷۷ ملاحظه نمایید.

نقش حوزه و روحانیت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی □ ۳۲۷

مغایر با اصول بند (الف) و (ب) نباشد، با مراجعه به آراء عمومی در آن تجدید نظر شود.

اصل (۲) انقلاب اسلامی ایران. تعالیم اسلام و نظامات سیاسی و حقوقی و اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی و تربیتی و فرهنگی آن را یگانه برنامه کامل تشکیل اجتماع عادل انسانی و مکتب.^۱

اصل (۳) انقلاب اسلامی ایران ضمن ارج نهادن و ترویج صنایع ملی و بومی کوشش دارد، تا از همه فنون و صنایع پیشرفته جهان آگاه و کشور را بسوی رشد و استقلال کامل صنعتی و فنی در هر زمینه رهبری نماید.

اصل (۴) انقلاب اسلامی ایران نظام اقتصادی سالمی را پی ریزی خواهد کرد که حافظ حقوق کارگران و زحمتکشان و مانع سلب آزادی و بهره گیریهای سیاسی از آنان باشد.

اصل (۵) حاکمیت مطلقه حقیقیه مختص به خداوند متعال است و این حکومت و ولایت الهیه بر حسب اصول و عقائد اسلامی و مذهب جعفری بر پیغمبر اکرم (ص) تفویض شده، و بعد از آن حضرت با ائمه اطهار (ع) و در عصر غیبت با فقهاء جامع الشرائط است و هر کس دیگر این حاکمیت را اسماً یا عملاً به خود اختصاص دهد استبدادگر و متجاوز به حریم حاکمیت خواهد بود. بنابراین مسلمانان در هر عصر می توانند با تصویب و نظارت فقهاء جامع الشرائط بر اساس نظام اسلامی برای تضمین اجراء احکام الهی به عنوان حاکمیت ملی زمام امور را به دست بگیرند و از ظهور حکومت دیکتاتوری و فردی در جامعه اسلامی جلوگیری نمایند، و حکومت جمهوری اسلامی با الهام از تعالیم عالیه اسلام تشکیل خواهد شد.

نظرات آیت الله شریعتمداری

آیت الله سید کاظم شریعتمداری نیز در مصاحبه های متعدد نظرات خود را در باره پیش نویس قانون اساسی ابراز کرد. اهم دیدگاه های وی عبارت بودند از:

۱. به ماده مربوط به مذهب جعفری افزوده شود: «این ماده تا روز قیامت قابل تعویض نیست.»
۲. باید نوشته شود که نخست وزیر و رئیس جمهوری هم مرد باشند و هم مذهب جعفری داشته باشند.^۲
۳. در شورای نگهبان اولاً، تعداد مجتهدان، پنج نفر و حقوق دانان شش نفر در نظر گرفته شده، اگر اکثریت، با حقوق دانان باشد چه خواهد شد؟ ثانیاً، از نظر رسیدگی به قوانین اسلام

^۱. متأسفانه در نسخه موجود ما به همین صورت است.

^۲. اطلاعات، ۵۸/۴/۶، سخنان آقای شریعتمداری در دیدار با روحانیان اصفهان.

ضمیمه کردن حقوق دانان لازم نیست، بلکه ضرر دارد، زیرا آن‌ها در احکام اسلامی تخصص ندارند.^۱

۴. از جمله نواقص پیش‌نویس قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی است که قبلاً هم بود ولی به درستی اجرا نمی‌شد. پیش‌بینی این مسئله در قانون اساسی که بر عهده مجلس خبرگان است و چه بسا خواسته‌های ایالات را در زمینه خودمختاری برآورده سازد. ایشان در عین حال با خودمختاری که به تجزیه مملکت بیانجامد، مخالفت می‌کند.^۲

وی در مراحل بعد، ضمن مخالفت با برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی به جای تشکیل مجلس مؤسسان،^۳ و در نهایت قبول مجلس خبرگان منتخب مردم،^۴ از اصل ولایت فقیه انتقاد کرده و به رغم مبنای فقهی خود در ولایت عامه فقیهان،^۵ در این مقطع آن را مختص امور حسبیه و شرایط فقدان دولت شمرد که پس از استقرار نهادهای قانونی نیازی به دخالت فقیه نیست.^۶ وی اصولاً بر این باور بود که «نقش اساسی و اولیه روحانیت پاسداری از اسلام و عدالت است و به نظر ما بهتر است که روحانیت در رابطه با دولت و حکومت جنبه ارشاد و هدایت و راهنمایی را در پیش بگیرد زیرا اگر مقامات دولتی و حکومتی تخلفی

^۱. کیهان، ۳۰ تیرماه ۱۳۵۸، در مصاحبه با روزنامه لوموند.

^۲. همان.

^۳. کیهان، ۳۰ تیرماه ۱۳۵۸، «اکثریت مردم کسانی نیستند که بتوانند در قانون اساسی اظهار نظر کنند و رأی بدهند، چون قانون اساسی مجموعه‌ای از قوانین و مواد حقوقی، اسلامی و تخصصی است که تنها در صلاحیت متخصصین فن است همان گونه که در مسائل طبی و مهندسی نمی‌توان به آراء عموم مراجعه کرد قانون اساسی هم همین طور است.»

^۴. همان.

^۵. *مجله الهادی*، تیرماه ۱۳۵۱، شماره ۴، «... حیث ان الاساس العقائدي هو الايمان بخلود عقائد الاسلام و احكامه مدى الدهر و في جميع الظروف و الملابسات كان لزاماً على المسلمين البذل و العطاء في سبيل تحقيق الاهداف الرسالية المقدسة حتى و ان كان ذلك في زمن غيبة الامام اذ الاحكام غير قابلة للتعطيل، فلا بد من تكوين حكومة اسلامية يكون نظامها على ضوء قوانين الاسلام، و تكون تلك القوانين أساسية لتلك الدولة. و يتحصل من ذلك أمران: **الأول**: ان الحكومة و تشكيلها داخل في جوهر الاسلام و ليس خارجاً عنه. و لا يمكن التفكيك بين الدين و السياسة اللهم الا ان يكون للسياسة معنى آخر، أو يكون المقصود من الدين غير الاسلام الصحيح. **الثاني**: ان القائم بتلك الحكومة و من يكون على رأسها لا بد ان يكون هو الحاكم الشرعي، او يكون شخصاً آخر منصوباً من قبله، اذ لا يمكن ان يكون ثمة احد اعرف بمباني الاسلام من المجتهد الجامع للشرائط بالمعنى الصحيح. مضافاً الى ما يدل على ولاية الحاكم الشرعي من الاخبار»

^۶. کیهان، ۳۰ تیرماه ۱۳۵۸، «دخالت مرجع موقعی است که در مملکت حکومت و دولتی نباشد لذا مرجع دخالت می‌کند و افرادی را به عنوان دولت جهت اداره امور تعیین می‌کند.»؛ *انقلاب اسلامی*، ۲۹ شهریور ۱۳۵۸، «ولایت فقیه تا حدودی که ثابت و محقق است در اعمال است که متصدی شرعی ندارد و آن اعمال باید صورت گیرد و به اصطلاح اعمالی که جواز آن مفروغ عنه است و متصدی شرعی ندارد. در آنجا ولایت با فقیه است. و همچنین کنترل و مراقبت از قوانین مجلس شورا و آئین نامه‌های دولت و ادارات تابع آن از لحاظ موافقت با شرع مقدس اسلام حق مسلم فقیه است و بالاخره فقیه در کلیه قوانین موضوعه و اجرای صحیح آن حق نظر و مراقبت دارد که آنچه را بر خلاف اسلام تشکیل شده است «وتو» یا فسخ نماید.»

نقش حوزه و روحانیت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی □ ۳۲۹

کردند روحانیت حق اعتراض و مبارزه دارد و باز اگر در مواردی دولت نتوانست از عهده مسئولیت خود برآید و یا اصولاً مملکت بدون دولت مانند مراجع در رأس روحانیت اقدام به معرفی دولت جدید و افراد صلاحیت دار می نماید و آن را تشکیل می دهد.^۱ معتقد بود که برگزاری همه پرسی جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، ریاست جمهوری و مجلس شورا و شوراها همگی نشانه حاکمیت ملت در جمهوری اسلامی است و نباید اصل ولایت فقیه را به گونه ای تفسیر کرد که با حاکمیت ملت تعارض داشته باشد.^۲

نظرات آیت الله مرعشی نجفی

آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی مرجع دیگری بود که پس از انتشار پیش نویس در مطبوعات، با صدور اطلاعیه ای دیدگاه های خود را منتشر کرد. وی در این اطلاعیه به نقد اصول پیش نویس پرداخت. در نقد اصل سوم که آرای عمومی را مبنای حکومت شمرده بود، نوشتند: «در اسلام و مذهب تشیع مبنای حکومت، احکام اسلام است و حکومت از آن خدا و رسول خدا و اولی الامر می باشد، بنابراین آراء عمومی بدون توافق مراجع تقلید و اهل حل و عقد معتبر نیست.» هم چنین در نقد اصل ششم اظهار داشتند که «به نام استفاده از آزادی عقیده و بیان و قلم هیچ کس حق ندارد در احکام الهی و مبانی اسلامی و مذهبی خدشه ای وارد کند و یا تأویل و تفسیرهای مضره بر آن ها بنماید.» چنان که ضمن ارائه پیشنهاد افزودن «اثنا عشری» به مذهب جعفری تأکید کردند که «این اصل ابدی است و هیچ مقامی و مرجعی حق ندارد در این اصل تجدید نظر نماید و یا تغییر دهد و الی یوم القیامه به قوت خود باقی خواهد بود.» در نقد حاکمیت ملی هم افزودند: «حاکمیت در اسلام مربوط به خدا و رسول خدا و امام عصر علیه السلام است و در زمان غیبت امام علیه السلام حاکمیت از آن فقها و مراجع عظام تقلید است.» هم چنین پیشنهاد کردند که در اصل مربوط به آزادی مطبوعات، افزون بر استثنای توهین به «شعائر مذهبی»، «مراجع تقلید و هم چنین تبلیغ بر ضد احکام اسلامی یا تکذیب اصول مسلمة فقه اسلامی و مذهبی» هم اضافه گردد. وی ارجاع «تعیین حدود برای مالکیت شخصی به قانون» را در فرضی که از راه حلال به دست آمده باشد، ناروا شمرده و خواستار حذف آن شد. آیت الله مرعشی در بخش های دیگر، برای مراجع حق و تو قوانین خلاف شرع را قائل شده؛ رئیس جمهور را نایب حاکم شرع خوانده که باید «مسلمان و شیعه اثنی عشری و آگاه به مصالح مملکتی و مطلع از مبانی اسلام و ایرانی الاصل و تابع ایران و مرد بوده» و «نحوه انتخاب آن از طرف مراجع تقلید و آراء عمومی است.» هم چنین معتقد بود که «انتخاب نخست وزیر واجد همان شرایط لازم در رئیس جمهور، با تأیید مراجع عظام و مجلس شورای ملی و رئیس جمهور

^۱ . کیهان، ۹ مرداد ۱۳۵۸.

^۲ . انقلاب اسلامی، ۲۹ شهریور ۱۳۵۸؛ کیهان، اول، ۱۵، و ۱۹ مهرماه ۱۳۵۸؛ *بامداد*، ۲۶ مهرماه ۱۳۵۸.

است.» از دیدگاه ایشان مجتهدان شورای نگهبان باید عادل و شیعه اثنی عشری بوده و افزون بر «آگاهی به مقتضیات زمان»، توانایی بر تطبیق قوانین اسلامی باشند؛ اعضای این شورا هم «فقط و فقط از طرف مراجع تقلید شیعه انتخاب می گردند.» در این نگاه شورای نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ابدی بوده و به هیچ عنوان قابل تغییر و تجدید نظر نبوده و آراء این شورا باید با آراء و فتاوی مراجع تقلید مطابق باشد. به موجب یک پیشنهاد «اصل اسلامی بودن نظام حکومتی کشور» و «مذهب رسمی کشور» و شرایط ریاست جمهور، و ولایت فقیه، و اصل شورای نگهبان با حدود و قیود آن، و محدودیت قانونگذاری مجلس به احکام اسلام، و سایر اصولی که از صریح قرآن و سنت اتخاذ شده، همگی غیر قابل تغییر بوده، و تغییر در این گونه مواد و اصول به منزله محاربه با خدا و رسول خدا ﷺ و ائمه طاهرین (ع) و نواب حضرت ولی عصر (عج) می باشد.

در پایان هم افزودن اصول ذیل را به قانون اساسی پیشنهاد کردند:

* اصل: ولایت فقیه جامع الشرایط در هر عصری معتبر است.

* اصل: مراجع عظام تقلید در لوایح مصوبه مجلس شورای ملی در صورتی که بر خلاف موازین شرعی و مصالح کشور تشخیص دهند حق وتو دارند.

* اصل: نظرات مراجع تقلید در تعیین رئیس جمهور و نخست وزیر و عزل و نصب آنها معتبر خواهد بود.

* اصل: تشکیل اطاق نظارت از طرف روحانیت در جمیع ادارات و مؤسسات اقتصادی، آموزشی، سیاسی، قضائی و محاکم دادگستری لازم است.

* اصل: مجلس شورا و هیئت وزرا، باید ضامن و متعهد باشند بر اجرای لوایح و قوانین اسلامی، تخلف از این اصل از نظر اسلام و ملت جرم حساب می شود.

نظرات مراجع و علمای دیگر

آیت الله سید عبدالله شیرازی از مراجع مقیم مشهد در یک مصاحبه از حدود دخالت یا نظارت جامعه روحانیت در امور سیاسی و اجتماعی مملکت در تحولات آینده سخن گفت و اظهار داشت: «قانون اساسی جاری به علت تجاوز مکرر توسط رژیم از بین رفته، نمی تواند از پشتیبانی رهبران مذهبی برخوردار باشد، این جا است که ضرورت پی ریزی قانون اساسی جدیدی عمیقاً احساس می شود. یک قانون اساسی کاملی که مواد آن منطبق با احکام اسلام و آزادی های فکری با روش های صحیح و هم چنین مشخص نمودن استقلال کلی در مقابل غارتگران ارجحیت داشته، و می توان از آن به عنوان (زیر بنا) تعبیر نمود.»^۱ وی هم چنین دیدگاه های خود را در باره نقش زنان در حکومت اسلامی، آزادی عقیده، استقلال اقتصادی

^۱ . خبرگزاری پارس، ۲۱ اسفند ۱۳۵۷.

و مانند آن بیان کرد.

از جمله علمای دیگری که در این مقطع در باره مجلس خبرگان قانون اساسی، پیش‌نویس قانون اساسی و اصول آینده سخن گفتند می‌توان از آیات و حجج: سید صادق روحانی،^۱ سید حسن قمی طباطبایی،^۲ شیخ بهاء‌الدین محلاتی،^۳ سید محمد وحیدی،^۴ سید حسن حجت کوه‌کمره‌ای، سید محمود طالقانی، حسین علی منتظری، سید محمد حسینی بهشتی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، حسین وحید خراسانی، ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، سید عبدالحسین دستغیب،^۵ سید علی خامنه‌ای، محمد علی گرامی، محمد تقی صدیقین، رضا استادی، حسن سعید، سید محمد رضا بروجردی، عقیقی بخشایشی، حسین حقانی، سید حسین موسوی کرمانی، علی غفوری، محمد حسین حسینی طهرانی، یحیی نوری، مصطفی زمانی، سید محمد باقر خوانساری، ابوالقاسم انصاری، اسماعیل حسینی مرعشی، احمد معرفت، ابراهیم احمد امینی، مجتبی اشرفی شاهرودی، مصطفی اشرفی شاهرودی، سید کاظم مرعشی،^۶ شیخ عبدالله نظری،^۷ یحیی نوری، صدرالدین بلاغی، مهدی حائری یزدی،^۸ محمد خاتمی، محمد صادق تهرانی، سید محمد علی موحد ابطحی، سید محمد مهدی موسوی خلخال، محمد جواد حجّتی کرمانی، علی حجّتی کرمانی، محمد تقی مصدر الامور، علی اکبر موسوی حسینی، عباس علی امینیان، محمد علی اسماعیل پور، سید علی نقی طبسی،^۹ محمد مفتاح،^{۱۰} عبدالرحیم ربانی شیرازی، اسماعیل معزی ملایری، مجتهد شبستری، محمد جواد باهنر، سید عبدالکریم هاشمی نژاد، سید جمال الدین دین پرور، شیخ محمدباقر تدین در نامه‌ای به سید محمد حسینی بهشتی (۱۰ مرداد ۱۳۵۸)، صدرالدین حائری با صدور بیانیه‌ای خواستار تشکیل شورای ریاست‌جمهوری با ریاست مرجع تقلید وقت به جای ریاست‌جمهوری فردی شد. (بیانیه ۶ مرداد ۱۳۵۸)، و بسیاری دیگر از علما و روحانیان قم، تهران و شهرستان‌ها.

غیر از موارد یاد شده نقدهای گروهی متعددی هم با عناوین "جامعه روحانیت اصفهان"، "جمعی از

^۱. نشریه جوان، ش ۱۵، ۲۵ اسفند ۱۳۵۷.

^۲. اطلاعات و جمهوری اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸.

^۳. جمهوری اسلامی، ۵ تیرماه ۱۳۵۸.

^۴. بامداد، ششم تیرماه ۱۳۵۸.

^۵. انقلاب اسلامی، سوم تیرماه ۱۳۵۸.

^۶. بامداد، ۹ تیر ۱۳۵۸.

^۷. انقلاب اسلامی، ۱۲ تیرماه ۱۳۵۸.

^۸. انقلاب اسلامی، ۶ و ۹ تیر ۱۳۵۸.

^۹. مجموعه اسناد و مدارک تدوین قانون اساسی، ج ۱۱، ص ۲۶۷-۲۶۸.

^{۱۰}. بامداد، ۱۷ تیر ۱۳۵۸.

۳۳۲ □ صد سالگی حوزه قم (دفتر دوم)

علمای قم، "جمعیت از علمای تهران"، "جمعیت از وعاظ قم"، "جمعیت از فضایی حوزه علمیه قم"، "موسسه در راه حق"، "جامعه روحانیت آبادان"، "حوزه علمیه قم" با دهها امضا انتشار یافت. گروهی هم تحت عنوان محققین علوم اسلامی با صدور بیانیه‌ای به نقد «مبنا بودن آرای عمومی» پرداخته، مبنای حکومت اسلامی را «قرآن کریم» شمرده و هر نوع رفتارند و همه‌پرسی را بدعت و حرام اعلام کرد. هم‌چنین «تساوی زن و مرد در برابر قانون» را نادرست خوانده و برای آن پیامدهای خطرناکی مثل: بروز خانم‌های عمامه‌بسر، فرمانده لشکر، وزیر و وکیل، رئیس‌جمهور و ... شمرده!^۱

بخش چهارم، مشارکت فعال در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی

دعوت امام خمینی از علما و روحانیان مبنی بر مشارکت فعال در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی،^۲ و اعلان این مطلب که تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی در صلاحیت کارشناسان اسلامی است،^۳ موجب شد تا طیف گسترده‌ای از علما و روحانیت قم، تهران و استان‌های مختلف برای حضور در این مجلس اعلام آمادگی کنند. احزاب، سازمان‌ها، گروه‌ها، و جمعیت‌های متعدد در سراسر کشور به معرفی نامزدهای خود پرداختند. در میان نامزدهای انتخاباتی، ده‌ها تن از علما و روحانیان سرشناس به چشم می‌خوردند. بردن نام همه آنان در این نوشتار حجم این نوشته را بیش از این طولان خواهد کرد. کافی است مروری بر مطبوعات و روزنامه‌های کثیرالانتشار مقطع تاریخی مرداد ۱۳۵۸ افکنده شود تا این واقعیت بیش از پیش آشکار گردد. انتخاب اکثریت اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی از علما و روحانیت هم نشانه حضور جدی روحانیت در صحنه، و هم حاکی از جایگاه شایسته آنان در میان مردم بود. برخی از علما و روحانیان سرشناس در لیست انتخاباتی گروه‌ها و سازمان‌های مختلف بودند، آن هم از طیف‌های گوناگون علما، اعم از سنتی، انقلابی، روشنفکر. به عنوان نمونه نام این افراد و شخصیت‌ها در میان نامزدهای انتخاباتی گروه‌ها و جمعیت‌های مختلف به چشم می‌خورد:

سید محمود طالقانی، حسینعلی منتظری، محمد جواد باهنر، یحیی نوری، صادق خلخالی، عبدالرحیم ربانی شیرازی، علی اصغر مروارید، آقارضا زنجانی، محمدعلی قاضی، مهدی حائری یزدی، علی غفوری، سید صدرالدین بلاغی، سید محمد بهشتی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، شیخ حسن ثقفی، شیخ مصطفی رهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی، شهاب‌الدین اشراقی، محمد مفتاح، سید رضی شیرازی، محمد مجتهد شبستری، سید محمدعلی سبط‌الشیخ، سید محمدحسین علوی بروجردی، سید

^۱ . مشروح این نظرات در مجلدات متعدد «مجموعه اسناد و مدارک تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی» آمده است.

^۲ . صحیفه امام، ج ۸، صص ۲۱۸-۲۲۱؛ ۳۰ خرداد ۱۳۵۸.

^۳ . امام خمینی، صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۹۱؛ ۲۷ خرداد ۱۳۵۸؛ صص ۲۲۷-۲۲۸؛ ۳۰ خرداد؛ صص ۳۰۳-۳۰۴؛ ۵ تیر؛ صص ۵۳۴-۵۳۵؛ ۱۷ تیر؛ صص ۹۸-۱۷؛ ۱۷ تیر؛ ص ۳۷؛ ۱۹ تیر؛ صص ۵۶-۵۵؛ ۲۱ تیر؛ صص ۶۷-۶۸؛ ۲۲ تیر؛ و

نقش حوزه و روحانیت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی □ ۳۳۳

محمدباقر خوانساری، محمدحسین تهرانی لاله‌زاری، سید مهدی خلخال، شیخ محمدرضا جعفری، شیخ حسن سعید تهرانی، محمد امامی کاشانی، میرزا باقر آشتیانی، محمدتقی جعفری، حسین انصاریان، سید علی خامنه‌ای، محمد تقی فلسفی، سید جواد علم‌الهدی، عباسعلی عمید زنجانی، مرتضی حائری یزدی، لطف الله صافی گلپایگانی، محمد آل اسحاق، سید احمد تقوی، سید ابوالفضل زنجانی، محمد باقر خالصی، سید موسی شبیری زنجانی، سید جمال الدین طاهری، حاج آقا حسین خادمی، سید احمد امامی، سید محمدعلی موحد ابطحی، شیخ حسن صافی اصفهانی، میرزا علی مشکینی، محمدعلی انگجی، جعفر اشراقی، جعفر سبحانی، سید اسدالله مدنی، مرتضی بنی‌فضل، عطاء الله اشرفی اصفهانی، محمد یزدی، شیخ مجتبی حاج آخوند، سید موسی موسوی، محمدجواد حجتی کرمانی، سید محمد باقر مهدوی، مرتضی فهیم کرمانی، محمد محمدی گیلانی، سید عبدالحسین دستغیب، ضیغمی، ناصر مکارم شیرازی، سید علی اصغر دستغیب، سید حسین آیت الهی، سید منیرالدین حسینی، سید حسین آیت الهی، شیخ مجدالدین محلاتی، میرزا جواد تهرانی، شیخ حسین وحید خراسانی، میرزا علی آقا فلسفی، شیخ حسن علی مروارید، شیخ ابوالحسن شیرازی، شیخ مهدی نوغانی، شیخ علی تهرانی، سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، سید محمد خامنه‌ای، افقهی، سید محمد علی شیرازی، مهدی ربانی‌الملشی، حسن لاهوتی، زین‌العابدین قربانی، احسان بخش، محمدعلی فیض، ضیائی، سید کاظم نورمفیدی، عبدالله جوادی، سید ضیاء الدین روحانی، علی اکبر ناطق نوری، سید محمد رئیسی، صبوری اردبیلی، شیخ هادی روحانی، سید حبیب‌الله طاهری، عبدالله نظری خادم‌الشریعه، زمانی، شیخ عبدالرحمن حیدری، محمدتقی مروارید، محمدتقی عالمی، حسین نوری، سید محمد میرشاه ولد، سید محسن خوانساری، محمد صدوقی، سید محمدتقی حسینی، سید محمد طباطبائی، شیخ محمد فوزی، جعفر مرقانی، شیخ حبیب مقدس، سید علی اکبر قریشی، شیخ محمد کرمی، سید علی شفیعی، غلامحسین جمی، سید محمدعلی موسوی جزایری، سید محمدجعفر مروج، سید اسماعیل مرعشی، سید محمدباقر طباطبائی بروجردی، سید حسن طاهری خرم‌آبادی، سید ابوالفضل زنجانی، سید عباس ابوترابی، سید اسماعیل معروف به حاج میرآقای موسوی، سید هادی باریک‌بین، شیخ محمد اسماعیل نائینی، سید محمدحسن محقق، محمدحسن نبوی، سید حسین آیت‌اللهی، سید محمد احمدی فروشانی، شیخ محمود حلبی، شیخ عباسعلی اسلامی، و شیخ آقا فاضل بخششی.

بخش پنجم، دغدغه‌های اصلی روحانیت در قانون اساسی جدید

حوزه و روحانیت در باره قانون اساسی جدید دغدغه‌هایی داشت که عمدتاً جنبه دینی و مذهبی داشت. نگران بود که بار دیگر قوانینی بر خلاف احکام شرعی وضع گردد، و هم‌چون گذشته احکام اسلام

به اجرا در نیاید، و سرنوشت انقلاب اسلامی به سرنوشت مشروطه دچار شود. با آن که در متمم قانون اساسی مشروطه پیش‌بینی شده بود که پنج مجتهد تحت عنوان هیئت تراز تشکیل شود تا بر مصوبات مجلس نظارت کنند و قانونی بر خلاف شریعت وضع نگردد، اما اجازه تشکیل این هیئت داده نشد و رژیم پهلوی هم هیچ‌گاه بدان تن نداد. از این رو، نسبت به جنبه های دینی و مذهبی قانون اساسی جدید و تضمین بقای اسلامیت جمهوری اسلامی حساسیت ویژه داشتند. محورهایی که ذیلاً مطرح می‌شود، دغدغه‌های حوزه و روحانیت و رویکرد آنان را در این مشارکت نشان می‌دهد.

یکم، حاکمیت شریعت

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حوزه و روحانیت جنبه اسلامی حکومت بود. تضمینی برای این که جمهوری اسلامی منحرف نخواهد شد. کافی است تا مروری کوتاه بر دیدگاه‌های مراجع و علما در بخش نخست مقاله شود تا این واقعیت روشن گردد.

همین دغدغه موجب می‌شد که نسبت به ضعف پیش‌نویس در این زمینه واکنش نشان دهند. این که چه تضمینی وجود دارد که در جمهوری اسلامی قوانین خلاف شرع وضع نگردد؟ در بسیاری از نقدها پیش‌نویس قانون اساسی از این جهت ضعیف‌تر از قانون اساسی مشروطه ارزیابی می‌شد. از این رو، برای رفع این دغدغه راهکارهایی در نظر گرفته شد که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را در چند محور خلاصه کرد:

(۱): اصل چهارم قانون اساسی

پیشنهاد اصل چهارم قانون اساسی، مبنی بر این که «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است.» از سوی آیت‌الله شیخ مرتضی حائری، فرزند مؤسس حوزه علمیه قم، و حمایت قاطع روحانیت حاضر در مجلس خبرگان قانون اساسی، حکایت از این واقعیت دارد. تأکید وی بر استفاده از واژگان شناخته شده فقهی مثل «اطلاق»، «عموم» و «حکومت»، و ذیل این اصل مبنی بر «حکومت این اصل بر اطلاق و عموم همه قوانین، اعم از اساسی و عادی» گواه حساسیت بالای علما نسبت به قوانین خلاف شرع بود.^۱

(۲): اصل ولایت فقیه عادل

نقد مهمی که جریان‌ات مذهبی به ویژه طیف گسترده‌ای از روحانیت بر پیش‌نویس داشتند، «پیش‌بینی نشدن نقش مراجع» در نظام سیاسی جمهوری اسلامی بود. این نقد هم از همان نگرانی سرچشمه می‌گرفت که به تعبیر یکی از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی: «مسئله ولایت فقیه این است که اگر امروز این را در قانون اساسی ننویسیم، فردا امام خمینی هم اگر بخواهد در یک موضوعی اظهار نظر کند،

^۱ ر.ک: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، صص ۳۲۲-۳۲۴.

نقش حوزه و روحانیت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی □ ۳۳۵

می‌گویند تو مقام غیر مسئولی و حق نداری اظهار نظر بکنی.^۱ طرح این موضوع از سوی مراجع و علما و طیف مذهبی موجب شد تا مجلس خبرگان قانون اساسی اصل ولایت فقیه عادل را تصویب کند.

(۳): اصول مربوط به شورای نگهبان

در پیش‌نویس قانون اساسی، در ترکیب اعضای شورای نگهبان، فقیهان در اقلیت بودند، پنج فقیه در برابر شش حقوق‌دان. از نظر اختیارات، تنها در صورت اعتراض برخی مقامات به یک قانون، این شورا حق ورود به موضوع و رسیدگی به شکایت مطروحه را داشت. این اصول از نظر جریان مذهبی نمی‌توانست تضمینی بر جلوگیری از انحراف حکومت و وضع قوانین خلاف موازین و احکام شرعی در آینده باشد. از این رو، در مجلس خبرگان قانون اساسی نهاد شورای نگهبان تقویت و اختیارات آن گسترش یافت.^۲

دوم، اصل مذهب

یکی از محورهای مهم حضور حوزه و روحانیت در ارتباط با قانون اساسی، اصل مربوط به مذهب بود. با انتشار پیش‌نویس و پیش‌بینی اصلی که رسمیت مذهب جعفری را مثل قانون اساسی مشروطه تضمین می‌کرد، موجی از مخالفت در فضای جامعه برخاست. جوامع اهل سنت و برخی از ملی‌گرایان و حتی تعدادی از روحانیان خواستار رسمیت اسلام شده و با رسمیت مذهب جعفری مخالفت کردند. یکی از علل تغییر نظر امام از تشکیل مجلس مؤسسان مرسوم با صدها نفر، به برگزاری همه‌پرسی و در نهایت مجلس خبرگان با تعداد محدودتر، همین بود. ایشان از اینکه با جوسازی و غوغاسالاری مذهب جعفری که از زمان صفویه در ایران رسمیت داشت، دچار آسیب شود، به منظور تعیین هر چه سریع‌تر ساختار نظام جمهوری اسلامی و استقرار نهادهای قانونی، از رأی‌پیشین خود برگشت، چرا که معتقد بود جریان‌هایی به دنبال جلوگیری از استقرار نظام نوپای جمهوری اسلامی و تزلزل در ارکان مذهب در این کشورند. در این مقوله که تقریباً همه طیف‌های مذهبی و گرایش‌های مختلف روحانیت هم‌داستان بودند، با تمام قوا وارد میدان شده و با نقد علمی مخالفان رسمیت مذهب شیعه جعفری، آثار و پیامدهای ناگوار «از رسمیت انداختن مذهب در ایران» را برشمردند. امام خمینی، مراجع عظام تقلید قم، نجف و مشهد، علمای حوزه‌های علمیه و روحانیت سراسر کشور، حقوق‌دانان برجسته، نویسندگان و فرزندان همگی یک‌صدا از رسمیت مذهب شیعه دفاع کردند. در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (خبرگان) نیز موضوع مطرح شده و به دلایل مخالفان پاسخ داده شد و اصل دوازدهم قانون اساسی با اکثریت آراء تصویب شد. نکته حائز اهمیت آن که در این مجلس، با آن‌که اکثریت اعضا از علمای شیعه بودند، از به کار بردن هر

^۱ . صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۲، ص ۱۱۶۸، عبدالکریم هاشمی‌نژاد.

^۲ . برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اثر نگارنده، ص ۱۲۳-۱۲۵.

گونه تعبیری مثل «حقّه» به عنوان وصف مذهب شیعه اثناعشری، که موجب رنجش جامعه اهل سنت گردد، به رغم پافشاری برخی از علمای حاضر در این مجلس، پرهیز شد.^۱

سوم، حقوق خصوصی و مالکیت شخصی

یکی از محورهای مهمی که در نقدها و نظرات مراجع و روحانیان مشاهده می شود، لزوم احترام به مالکیت شخصی و خصوصی است. آنان به آن دسته از اصول پیش نویس که کمترین تعارضی با این مقوله داشت، واکنش نشان دادند. همین رویکرد در مواجهه آنان با قوانین عادی مصوب مجلس شورای اسلامی در دهه نخست جمهوری اسلامی قابل مشاهده است. مروری کوتاه بر پاره‌ای از نقدها که در بخش پیشین مقاله نقل شد، این واقعیت را نشان می دهد. نامه‌ها و موضع‌گیری‌های متعدد مراجع و علمای حوزه در خصوص برخی از مصوبات مجلس در دهه نخست جمهوری اسلامی این دغدغه را نشان می دهد. حوزه و روحانیت نگران نقض حقوق خصوصی و مالکیت شخصی شهروندان بودند. البته تندروی‌ها و افراط در برخورد با صاحبان سرمایه در اوایل پیروزی انقلاب نیز به این حساسیت دامن زد. در این زمینه در کارنامه چهل ساله جمهوری اسلامی فراز و فرودی مشاهده می شود که نشانه روشن نبودن محدوده اختیارات حکومت و نسبت آن با حوزه شخصی و خصوصی شهروندان، و اختلاف نظر در این زمینه است. رویکرد متفاوت مجالس و دولت‌های متعدد در جمهوری اسلامی گواه بر این حقیقت است. بحث تفصیلی در این موضوع نیازمند نگارش مقاله مستقلی است.^۲

بخش پایانی، میزان اهتمام حوزه و روحانیت در نگهبانی از قانون اساسی

بررسی میزان اهتمام حوزه و روحانیت در حفظ و حراست از قانون اساسی و عمل به آن نیازمند فرصت و مجالی مستقلی است. اما به تناسب موضوع این نوشتار تنها اشاره‌ای کوتاه بدان نموده و مقاله را به پایان می بریم. ناگفته نماند که در قانون اساسی نگهبانی از این منشور ملی بر عهده نهادی به نام شورای نگهبان قانون اساسی نهاده شد که نیمی از اعضای این نهاد را فقیهان تشکیل می دهند. واقعیت آن است که معمولاً دولتمردان تمایل به توسعه قدرت و اختیارات خویش دارند، در جمهوری اسلامی نیز این تمایل از ابتدا قابل مشاهده است. نگاه خوش‌بینانه آن است که به منظور حل مشکلات و معضلات پیش آمده و به منظور تسریع در انجام امور ناچار به نقض قانون می شوند. گاهی لوایح ارائه شده به مجلس

^۱ . برای آگاهی از دلایل مخالفان و موافقان رسمیت مذهب ر.ک: مقاله «رسمیت مذهب شیعه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» از نگارنده، در فصلنامه علمی، پژوهشی شیعه شناسی، ش ۴۸، زمستان ۱۳۹۳.

^۲ . علاقمندان می توانند در این زمینه به کتابی که در آینده نزدیک با عنوان «مفهوم اطلاق در نظریه ولایت مطلقه فقیه از دیدگاه امام خمینی»، منتشر خواهد شد، مراجعه نمایند.

نقش حوزه و روحانیت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی □ ۳۳۷

قانون‌گذاری با قانون اساسی مغایرت دارد، شورای نگهبان وظیفه جلوگیری از تصویب این موارد را داشته است. در دهه نخست جمهوری اسلامی با وجود شخصیت‌هایی چون آیت الله صافی گلپایگانی که عضو مجلس خبرگان قانون اساسی هم بود و نقش مؤثری در تدوین این قانون داشت، اهتمام ویژه‌ای که رعایت اصول قانون اساسی دیده می‌شد.^۱ اما به مرور زمان که تفسیر دیگری از اطلاق ولایت و اختیارات گسترده رهبری، حتی فراتر از قانون اساسی، صورت گرفت، و این تفسیر در شورای نگهبان مبنای کار قرار گرفت، پای‌بندی به قانون اساسی کمرنگ و کمرنگ‌تر شد.

انتظار از روحانیت که بیشترین نقش را در تأسیس و تثبیت "جمهوری اسلامی" و ساختار آن ایفا کرده، این بود که نسبت به نقض قانون اساسی واکنش مناسب نشان دهند. این انتظار از علمایی که بیشترین نقش را در طراحی ساختار نظام و تضمین حداکثری اسلامیت نظام برعهده داشتند و بعداً در شمار مراجع درآمدند، بیشتر بود. به ویژه اگر برخی از مشکلات ناشی از ساختار نظام باشد که برای جمهوری اسلامی طراحی شده و نیازمند بازبینی و بازتعریف است. همان گونه که برخی مشکلات ساختاری در ارکان مختلف حکومت پس از یک دهه با ارشاد و راهنمایی امام راحل برطرف شد، هم اکنون نیز اگر مشکلات ساختاری دیگری احساس می‌شود که بسیاری از علما و نخبگان، به ویژه آنان که در این طراحی به نوعی حضور داشتند و اینک، خلاف مقصود خود را نظاره می‌کنند، مسئولیت دارند که نسبت به اصلاح آن قدم بردارند.

البته یک نکته را نمی‌توان نادیده گرفت و آن این که روحانیت چون برای شریعت اصالت قائل است، به رغم تشکیل نظام سیاسی، هنوز برای قانون واحد در اداره جامعه اهمیت لازم را قائل نیست. بر همین اساس است که حتی گاهی عالمانی که مسئولیت نگاهبانی از قانون را دارند، به سهولت از قانون عبور می‌کنند. هنوز روحانیت برای قانونی که مبنای اداره جامعه است، اصالت لازم را قائل نیست. البته قانونی که مخالفتی با موازین شریعت نداشته باشد.^۲

چنان‌که نمی‌توان منکر شد که روحانیت به خاطر "فقدان تجربه" در عرصه سیاسی مقوله "قدرت" و آسیب‌های ناشی از آن را، آن گونه که باید شناخته و راه کارهای مناسب و متناسب با آن را برای جلوگیری از انحراف‌اش پیش‌بینی نکرده است. خطراتی که از این ناحیه - دست کم - آینده نظام را تهدید می‌کند، و بسا که عوارض آن افتخارات هزارساله روحانیت شیعه را از بین ببرد، مسئله‌ای نیست که بتوان به سادگی از آن گذشت.

^۱ . برای آشنایی با اهتمام جدی ایشان در این راستا ر.ک: یادداشت استاد محمد سروش محلاتی با عنوان «صلابت در صیانت از قانون اساسی»، خبرگزاری شفقنا، ۱۷ فروردین ۱۴۰۰.

^۲ . برای آشنایی بیشتر با این آسیب در میان روحانیت ر.ک: مقاله «نسبت فقه و قانون در نگاه عالمان دین» اثر نویسنده، مجله دین و قانون، ش ۱۷، پاییز سال ۱۳۹۶.

روح یأس و نومیدی، بی تفاوتی، بی اعتمادی به نظام دینی و متقابلاً اعتماد به بیگانگان و مهم‌تر از همه آفت "گریز از اصل دین" که بخشی از جامعه امروز را تهدید می‌کند، مستقیماً بر عهدۀ روحانیت است، مخصوصاً آن بخش از روحانیت که در به وجود آمدن این وضع سهیم اند، و علاج آن بدون آسیب-شناسی، بازبینی و باز تعریف در ساختار نظام و ایمن کردن آن از خطرات پیش رو، و بازگرداندن روح امید و اعتماد این بخش از جامعه به نظام و روحانیت و دین دشوار است.